

امام خامنه‌ای در منشوری مهم و راهبردی ضمن تبیین دستاوردهای چهل ساله الزامات فصل جدید جمهوری اسلامی را تشریح کردند

گام دوم انقلاب



جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. این‌که کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً فاشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و پوسه‌زدن بر پنجه گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود. اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القا می‌شود

صفحات ۶ و ۷

فرمانده کل سپاه در مراسم تشییع ۲۷ پاسدار شهید مدافع وطن

جمهوری اسلامی ایران از این پس ملاحظات قبلی را نخواهد داشت

دولت‌های خائن امارات و عربستان بدانند که صبر جمهوری اسلامی ایران به سر آمده و نظام اسلامی حمایت‌های مخفیانه شما از گروهک‌های تکفیری را تحمل نخواهد کرد. انتقام خون شهیدان‌مان را از دولت‌های امارات و عربستان خواهیم گرفت و از رئیس‌جمهور می‌خواهیم دستان ما را برای انجام عملیات‌های انتقام‌جویانه بیش از گذشته باز بگذارد



همین صفحه

گزارش صبح صادق از پیدا و پنهان نشست آمریکایی - صهیونیستی لهستان

شوی شکست خورده ورشو!

کنفرانس امنیتی ورشو پایان یافت و در بیانیه پایانی میزبانان از ایران نامی برده نشد. هر چند شرکت‌کنندگان به اینکه نام ایران در بیانیه پایانی برده شود، تمایلی نداشتند و البته این اتفاق هم افتاد، اما در ظاهر آمریکایی‌ها و لهستانی‌ها مصمم بودند تا این نشست را همان‌طور که می‌خواستند، نشان بدهند. در نشست خبری مشترک وزیران خارجه لهستان و آمریکا آن دو سعی کردند نکته جا افتاده از بیانیه را در این بخش جبران کنند

صفحه ۲

یادداشت

مختصات گام دوم

فتح‌الله بریشان
روزنامه نگار

همزمان با برپایی جشن باشکوه، چشمگیر و کم‌نظیر سالگرد چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم عزیز ایران در سراسر کشور و در حالی که دشمنان متکبر و مستکبر انقلاب توهمات باطلی برای واژگونی آن به زعم خام خود در سر می‌پروراندند، امام خامنه‌ای(دام‌الله‌الوارف) رهبر معظم انقلاب در آغاز ورود به دهه پنجم انقلاب با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» دستاوردهای نورانی راه طی شده ۴۰ ساله آن را تبیین کرده و توصیه‌های راهبردی و راهبری را به ملت ایران و به ویژه جوانان غیور ایرانی برای تداوم این راه روشن در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی در گام بزرگ چله دوم انقلاب ارائه کردند. هدف اصلی این بیانیه، روشنگری اذهان جوانانی است که امروز سبیل جنگ نرم و عملیات روانی دشمنان انقلاب در وارونه‌نمایی دستاوردهای آن تحول عظیم و عمیق قرار گرفته‌اند؛ انقلابی که به معنای کامل آن به «قلب» و تحول فکری و روحی در ملت ایران «برای خدا» انجامید و به نقطه عطفی برای حرکت تاریخی انقلاب‌ها بدل شد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه «گام دوم انقلاب» به مثابه پدری دلسوز و رهبری آینده‌بین و دوراندیش که خواستار سعادت فرزندان این مرز و بوم است، در روایت‌گری خالصانه و صادقانه از داستان انقلاب اسلامی، می‌کوشد در پرتو اشاره به شادید و سختی‌های انقلاب و عبور موفق و افتخارآمیز از گردنه‌های صعب چهل ساله آن، کوله‌باری پر از ذخیره و بنه‌های امید، اعتماد به روشنی فردا، ایجاد تحرک و شوق‌انگیزی به ساختن ایران آینده در اختیار و پیش چشم جوانان این کشور که مسئولان فردا هستند، قرار دهند تا آنها با اتکا به نیروی عظیم و خلاقانه جوانی، این انقلاب اسلامی را «هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنا فداه است» نزدیک کنند.

به طور مسلم این فرابت در وهله اول باید در زمینه‌های فکری و ذهنی جامعه هدف به وقوع بپیوندد تا در گام ثانوی بتوانند زمینه‌های محیطی، اجتماعی و سیاسی جامعه جوان، کل ملت ایران و حتی فراتر از آن، ملل استقلال‌خواه و آزادی‌خواه جهان را آماده پذیرش و پرورش این فصل نوین کنند؛ این، خود انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اسلامی است و به الزاماتی نیاز دارد که می‌توان با توجه به متن زیبا، متقن، استوار، محکم، آسیب‌شناسی مسئولانه و به دور از ذوق‌زدگی و نگاه غیر واقع‌بینانه متن بیانیه گام دوم انقلاب به آنها اشاره کرد:

۱- طرح الگوی پیشرفت؛ این بیانیه به همراه اسناد بالادستی، نظیر برنامه‌های پنج ساله، چشم‌انداز بیست ساله و سند الگوی راهبردی پیشرفت ایرانی-اسلامی پنجاه ساله در حکم الگوی عملی و نقشه راه گام دوم انقلاب است؛ چرا که اساسا هیچ پیشرفت و توسعه‌ای بدون داشتن الگو و مدل نمی‌تواند رخ عیان کند. مسلما در این الگو، ضمن توجه به راه طی شده، از شناخت چالش‌ها و اولویت‌ها و مقدرات و توانمندی‌های می‌توان بستر و پیشران‌هایی برای ادامه مسیر انقلاب ساخت. انقلاب اسلامی امروز با مسائل و دغدغه‌های داخلی و بیرونی بشمار می‌رود و این، شمارده، توان جامعه را برای ادامه پرشتاب مسیر به درستی معرفی می‌کند و در آخر با تحریض «ما می‌توانیم» راه را بر روی گردش‌نخبگان و به دست‌گیری حرکت پر شتاب علمی کشور از سوی جوانان باز می‌گذارد.

ادامه در صفحه ۲

فرمانده کل سپاه در مراسم تشییع ۲۷ پاسدار شهید مدافع وطن

جمهوری اسلامی ایران از این پس ملاحظات قبلی را نخواهد داشت

کرد: «چنین اقداماتی عزم پاسداران را در حفظ و صیانت از امنیت مرزهای ایران اسلامی و آرامش و آسایش مردم راسخ و استوارتر می‌کند.»

آمار شهدا

اما آمار شهیدها به تفکیک شهرها به این قرار بود؛ شهر اصفهان ۵ شهید، خمینی شهر و درجه ۵ شهید، نجف‌آباد ۲ شهید، شهرضا ۲ شهید، سمیرم ۲ شهید، کاشان ۳ شهید و فولادشهر، شاهین شهر، فلاورجان، خور و بیابانک، چادگان، تیران و آران و بیدگل نیز هر کدام یک شهید، پیکر پاک این عزیزان به لشکر ۱۴ امام حسین(ع) منتقل شد و در مراسمی تحت عنوان شب وداع در حسینیه شهدای بسیج، همزمان و در مراسم این عزیزان با شهدای‌شان وداع کردند. مراسم تشییع پیکر این شهدای گرانقدر نیز روز شنبه با سخنرانی سردار سرلشکر جعفری فرمانده کل سپاه از میدان بزرگمهر به سمت گلستان شهدای اصفهان برگزار شد.

دستور قاطع

مهم‌ترین موضع‌گیری مرتبط با این حادثه را می‌توان در پیام تسلیت فرمانده معظم کل قوا دید. ایشان در این پیام تأکید کردند: «دست جنایتکار مزدوران بار دیگر به خون جوانان صالح و خدمتگزار کشور آلوده شد و جمعی از سرمایه‌های انسانی که خود را وقف حراست از مرزها و پاسداری از امنیت مردم کرده بودند، در حمله تروریست‌های سیه‌رو و سنگدل به

پاکستان هم بدانند که باید هزینه حمایت سازمان اطلاعات کشور از گروهک جیش‌الظلم را بپردازد و بی‌شک این هزینه برای آنها بسیار سنگین خواهد بود.»

اینها فرازهایی از صحبت‌های فرمانده کل سپاه سرلشکر جعفری در مراسم تشییع ۲۷ شهید حادثه تروریستی جاده خاش-زاهدان بود؛ اما ماجرا چه بود که به اتخاذ چنین موضع شدیدالحنی از سوی فرمانده کل سپاه منجر شد؟

۲۴ بهمن ماه قرارگاه قدس نیروی ملاحظات قبلی را نخواهد داشت و در صورت تداوم و حتی برای انتقام این جنایت به صورت مستقیم وارد عمل خواهد شد. از همسایه مسلمان‌مان پاکستان این سؤال را داریم که چرا ارتش پاکستان و سازمان اطلاعات این کشور در سایه سکوت خود به این گروه‌های تکفیری پناه می‌دهد؟ ما این سکوت را به نوعی حمایت از این گروهک می‌دانیم و سازمان اطلاعاتی پاکستان باید در این زمینه پاسخگو باشد.»

سرلشکر جعفری اظهار داشت: «دولت‌های خائن امارات و عربستان بدانند که صبر جمهوری اسلامی ایران به سر آمده و نظام اسلامی حمایت‌های مخفیانه شما از گروهک‌های تکفیری را تحمل نخواهد کرد. انتقام خون شهیدان‌مان را از دولت‌های امارات و عربستان خواهیم گرفت و از رئیس‌جمهور می‌خواهیم دستان ما را برای انجام عملیات‌های انتقام‌جویانه بیش از گذشته باز بگذارد.»

عزم پاسداران استوارتر شد
قرارگاه قدس در اطلاعیه خود با اشاره به حمایت و پشتیبانی سروس‌های اطلاعاتی نظام سلطه و صهیونیسم اعلام

گروه دفاعی/ملت ما

باید بدانند که نیروهای امنیتی بسیج، سپاه و نیروی انتظامی در مرزها آماده عمق‌بخشی به امنیت مرزها هستند و انتقام این جنایت را از دشمنان خواهند گرفت. علاوه بر برنامه‌ریزی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها در ایجاد ناامنی و ترور، سازمان‌های اطلاعاتی عربستان و امارات به طور مشخص در راستای ایجاد ناامنی در منطقه جنوب شرق در حال برنامه‌ریزی‌های مختلفی هستند و اطلاعات موثقی در این رابطه وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران از این پس ملاحظات قبلی را نخواهد داشت و در صورت تداوم و حتی برای انتقام این جنایت به صورت مستقیم وارد عمل خواهد شد. از همسایه مسلمان‌مان پاکستان این سؤال را داریم که چرا ارتش پاکستان و سازمان اطلاعات این کشور در سایه سکوت خود به این گروه‌های تکفیری پناه می‌دهد؟ ما این سکوت را به نوعی حمایت از این گروهک می‌دانیم و سازمان اطلاعاتی پاکستان باید در این زمینه پاسخگو باشد.»

سرلشکر جعفری اظهار داشت: «دولت‌های خائن امارات و عربستان بدانند که صبر جمهوری اسلامی ایران به سر آمده و نظام اسلامی حمایت‌های مخفیانه شما از گروهک‌های تکفیری را تحمل نخواهد کرد. انتقام خون شهیدان‌مان را از دولت‌های امارات و عربستان خواهیم گرفت و از رئیس‌جمهور می‌خواهیم دستان ما را برای انجام عملیات‌های انتقام‌جویانه بیش از گذشته باز بگذارد.»

سپاه به شهادت زنده است

دکتر عبدالله جوانی
مدیر مسئول

بار دیگر شمیم شهادت ۲۷ پاسدار سبزپوش سپاه، فضای کشور را فراگرفت. هامون رنگ خون گرفت و اصفهان این شهر شهیدان، دگر بار مملو از عطر و بوی دوران جهاد و شهادت شد. دشمن با این جنایت، به زعم خود از ملت ایران برای حماسه‌آفرینی در ۲۲ بهمن انتقام گرفت؛ اما زهی خیال باطل که با این شرارت‌ها، جنایت‌ها و خیانت‌ها ذره‌ای در اراده بولادین ملت ایران و فرزندان این مردم در سپاه خلل پدید آید. دشمن پس از ۴۰ سال، با این رفتارهایش نشان می‌دهد که هنوز نه ملت ایران را شناخته و نه نسبت به ماهیت و منطق پاسداران انقلاب اسلامی شناختی پیدا کرده است. دشمن خبیث نمی‌داند که شهادت در نزد پاسداران انقلاب اسلامی، چه معنا و مفهومی دارد، آنان نمی‌دانند که سپاه، این نهاد انقلابی به شهادت زنده و بالنده است. آری حیات سپاه، در شهادت پاسداران جان برکف است. نهال سپاه به خون‌های پاک و مطهر پاسداران طی ۴۰ سال گذشته، آبیاری شده و اینک به یک درخت تناور و پرثمر برای جهان اسلام و تمامی مستضعفان جهان تبدیل شده است. پاسداران به خوبی این حقیقت را دریافته‌اند که لباس سبز آنان، لباس عزت مسلمانان و به ویژه لباس عزت ملت ایران است و امروز ملت ایران، یک ملت مؤمن، مستقل، سرفراز و با عزت است. پاسداران هزینه‌های بقای چنین ملتی را، با جهاد و شهادت پرداخت می‌کنند. ملت ایران و فرزندان در سپاه از موقعیت خود و موقعیت نظام سلطه، شناخت و برآورد درستی دارند. ملت ایران به دلیل مقاومت و ایستادگی ۴۰ ساله، در حال پیشرفت و توسعه قدرت بوده و نظام سلطه با محوریت آمریکا در حال افول و زوال قدرت است. ملت ایران و پاسداران این ملت، گروهک‌هایی چون جیش‌الظلم را، به عنوان مهره‌های در اختیار آمریکا، رژیم صهیونیستی و دولت‌های مرتجعی چون آل سعود و امارات در منطقه، می‌شناسد. امروز این دشمنان خبیث، جرئت رویارویی مستقیم با ملت ایران را نداشته و از همین رو با بهره‌گیری از مزدوران فریب‌خورده و منحرف از دین، این‌گونه شرارت‌آفرینی کرده و با اقدامات تروریستی، به دنبال بی‌ثبات‌سازی ایران و سلب امنیت از کشور هستند. به یقین دشمنان در رسیدن به این اهداف، نه تنها ناکام مانده و شکست خواهند خورد، بلکه اقدامات کور و جنایت‌آمیزشان موجبات وحدت، هوشمندی و همدلی بیشتر ملت ایران را فراهم می‌کند. تشییع باشکوه بیکرهای ۲۷ پاسدار شهید در شهر اصفهان، با حضور اقشار گوناگون از یک طرف یادآور تشییع شهدای دوران دفاع مقدس با حضور انبوه توده‌ها و از طرف دیگر نمایانگر جایگاه سپاه پاسداران و شهدای مدافع امنیت در میان مردم در طلیعه دهه پنجم انقلاب است. این تشییع باشکوه که هر از چندی در گوشه و کنار کشور برگزار می‌شود؛ از پشتوانه‌های مردمی سپاه حکایت دارد. این تشییع به تمام معنا مردمی، عیار مکتبی و مردمی بودن نهاد انقلابی سپاه را نشان می‌دهد. حیات سپاه در نوع جنایت‌ها و خیانت‌ها و اقدامات تروریستی و به شهادت رساندن پاسداران، بر بیداری ملت ما می‌افزاید. کلام امام راحل و عظیم‌الشان مبنی بر اینکه: «کشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود.» یک حقیقت است. این بیداری دو پیام و پیام دارد: ۱- دشمن بر ملت بیدار، هرگز توان غلبه ندارد. ۲- سپاه به برکت این بیداری و پشتوانه ملی، انتقام سختی از دشمنان خواهد گرفت.

نوزدهمین محفل انس و مودت
ویژه باننشستگان تحت پوشش کانون نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه
به همراه همسران برگزار می‌شود
زمان: پنج‌شنبه ۱۳۹۷/۱۲/۹ از ساعت ۹ صبح تا ۱۲
مکان: بزرگراه بسیج، خیابان هجرت، میدان شهید باکری، مجتمع فرهنگی - ورزشی کوثر ولایت

صبح صادقی شوید
به شرط آن که دست‌په‌قلم
بپزید و نوشته‌ها و تحلیل‌های خود را برای ما ارسال کنید
ارسال مطلب
info@ssweekly.ir
ارتباط مستقیم با سردبیر
sardabir@ssweekly.ir

بازگشت به یادگار
چهارشنبه استند ماه از قلمز مغرب و عشا
مکان:
وزیرکوران شهید محلاتی خیابان شهید کیانی
مسجد جامع اصفهان تک (جنب العین و)



یادداشت شفاهی



دکتر رضا میرابیان
کارشناس ارشد مسائل عربستان

رؤییم آل سعود و بحران حقوق بشر

سال هاست، عربستان سعودی قوانین بین‌المللی در زمینه حقوق بشر را نقض می‌کند. سازمان ملل، دیده‌بان حقوق بشر و تعداد بسیاری از دیگر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی فشار در زمینه حقوق بشر همواره ضمن انتقاد از نقض‌نظاممند و گسترده حقوق بشر در عربستان سعودی، خواهان بررسی و برخورد با پادشاهی عربستان بوده‌اند. اما آنچه سبب شد این موضوع بیش از پیش مطرح شده و واقعیت حقوق بشر در عربستان برای همگان آشکار تر شود، قتل دردناک زکریا بدر علی‌الجابر که شش ساله عربستانی به دست یک وهابی‌جنایتکار به جرم فرستان صلوات بر پیامبر اکرم(ص) و آل پیامبر، در شهر مدینه بود که با واکنش‌های فراوانی همراه شد. نمونه بسیار واضح‌تر نقض حقوق بشر در عربستان، ترور خاشقچی بوده که در ابتدا سعودی‌ها موضوع ترور را رد کردند، اما برای رسیدن به این ارزیابی، منابع اطلاعاتی گوناگونی بررسی شدند و آشکار شد که این عمل به دست مأموران خودسر سعودی انجام شده است. شواهدی وجود دارد که بن‌سلمان در پشت پرده توطئه علیه این روزنامه‌نگار سعودی نقش مستقیم داشته است. حتی مجلس سنا از وزیر خارجه آمریکا خواست طی گزارشی اعلام کند که آیا مقامات دولت عربستان یا اعضای خاندان سلطنتی این کشور، از جمله محمدبن‌سلمان، ولی‌عهد عربستان در قتل خاشقچی دست داشته‌اند، یا خیر.

از زمانی که محمدبن‌سلمان در رأس قدرت قرار گرفته، میزان بازداشت روشنفکران، فرهیختگان، علما و غیره در عربستان زیاد شده، حتی دادستان عربستان برای برخی از آنها حکم اعدام صادر کرده است؛ یعنی برخلاف آنچه ولی‌عهد عربستان مدعی است که حقوق جامعه عربستان پیشرفت کرده است، اما در عمل آمارهایی که سازمان‌های حقوق بشر، از میزان دستگیری‌ها، توقیف اموال بسیاری از تاجر و بازرگانان از جمله اعضای خاندان سلطنتی منتشر می‌کنند، نشان می‌دهند وی در ابتدا با یک شیوه تبلیغاتی و به عنوان یک فرد صلح و اصلاحگر وارد جامعه عربستان شده و می‌خواهد از این طریق جامعه عربستان را از افراط و افراط‌گری نجات دهد، اما با رفتارش و با این شیوه حکومت‌داری سرآمد این افراط و افراط‌گری در عربستان بوده که در رأس این افراط، موضوع ترور خاشقچی و شهادت کودک شیعی سعودی زکریا جابر قرار دارد که دولت عربستان مدعی شده است، قاتل این کودک مجنون بوده است؛ یا حتی می‌توان محاصره شیعیان قطیف، الاحساء، عوید و طهران در شرق عربستان و منع جوانان شیعه از ورود به دانشگاه‌های سعودی را از جمله رفتارهای تبعیض‌آمیز رژیم آل سعود نسبت به شهروندان غیر وهابی دانست. حتی در این زمینه سلمان موهود یکی از معروف‌ترین مبلغان و شیوخ سلفی در عربستان که هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد و حتی دادستان عربستان او را به اعدام محکوم کرده، در گفت‌وگو با نیویورک‌تایمز آمریکا اظهار نگرانی می‌کند که مقامات سعودی با افرادی که نظرات مختلفی دارند، برخورد می‌کنند. به این دلیل که صدای اعتدال در عربستان از بین برود، در یک سال اخیر اقدام به بازداشت بسیاری از فعالان سعودی کرده که سعی داشتند اصلاحات را در عربستان خاموش کنند که البته با مجازات اعدام روبه‌رو شدند. با توجه به رفتار و شیوه‌های تروری که بر فضای عربستان حاکم است، رفتار ولی‌عهد عربستان برای نقض حقوق بشر روز به روز شدت گرفته و کارنامه وی در این زمینه سنگین‌تر می‌شود. حالا اینکه چرا مجامع بین‌المللی و حکام کشورهای اسلامی در مقابل این‌گونه جنایت‌ها سکوت اختیار می‌کنند، برمی‌گردد به اینکه، آنها به قدرتهای فرمانطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی وابستگی دارند و با رشوه و پول‌های کلان جلوی ایفای نقش آنها را می‌گیرند.

یادداشت

ادامه از صفحه اول

۳- آسیب‌شناسی مسئولانه؛ بدون شناخت دردها، آفات و موانع راه و آسیب‌های امروزی‌نی، از جمله تحریم و فشارهای ناجوانمردانه بیرونی و ناکارآمدی بخش‌هایی از قوای کشور در حل مسائل معیشتی و اقتصادی جامعه نمی‌توان برنامه کاملی طراحی کرد؛ از این رو در این بیانیه مسئولانه به پاره‌ای از این مسائل و مصائب و راه‌های برورفت از آنها اشاره شده است که اگر مورد توجه مسئولان قرار گیرد، بدون تردید می‌توان از این وضعیت خارج شد.
۴- شوق انگیزی روحی برای ساختن ایران فردا؛ بیانیه گام دوم انقلاب رهبر حکیم انقلاب، چون از ایمان و باوری امیدوار به فضل الهی و تجربه عملی توان جوانان این کشور که همت آنها را در صحنه‌ها و بزنگاه‌های مهم انقلاب دیده است بر می‌خیزد، محور و محرک و وحدت همه ملت ایران با هر قوم، نژاد و مذهبی که که می‌تواند به محور اتحاد و وحدت همه ملت ایران با هر قوم، نژاد و مذهبی که دارند تبدیل شود. این مؤلفه قدرت امروز برای دشمنان نگران‌کننده و دوستان الهام‌بخش است.

۵- عزم انقلابی جوانانه؛ اعتماد به نفسی که در این بیانیه به نیروی سازنده جوانان با اتکا به کمیت پرشمار آنها توأم با کیفیت بالای تحصیلی و خوش‌فکری جوانان ایرانی مدیده می‌شود و برای میدان‌داری آنها به واگذارای مناصب مدیریتی و کارشناسی در سطوح بالا توصیه می‌شود، اوج بلندنظری و واقع‌بینی این بیانیه است؛ چرا که کشور تنها با اتکا به نیروی پیش‌برنده و پیش‌رونده جوانان مؤمن انقلابی ساخته خواهد شد.

در پایان باید گفت، حجت با این بیانیه بر مسئولان و همه کسانی که دغدغه ارزش‌ها و هنجارهای ملی و اسلامی در سر دارند، تمام شده است و باید همان طور که فصل جدیدی از حیات جمهوری اسلامی شروع می‌شود، فصل تازه‌ای از عزم و اراده بیشتر همگان آغاز شود تا با عبور از سد مشکلات امروز، فردایی امن‌تر، روشن‌تر، با عزت‌تر و با رفاه بیشتر برای مردم ایران که لیاقتش را دارند، رقم زد. ان‌شاءالله.

نکته‌ونظر

انقلابی این‌گونه!

نکته: علامه محمدتقی جعفری می‌گفتند: عده‌ای از جامعه‌شناسان جهان در دامناک جمع شده بودند تا درباره موضوع مهمی بحث و تبادل نظر کنند. موضوع این بود: ارزش واقعی انسان به چیست؟ هر یک از جامعه‌شناسان، معیارهای خاصی را ارائه دادند. وقتی نوبت به بنده رسید، گفتم: اگر می‌خواهید بدانید یک انسان بقدر ارزش دارد، ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می‌ورزد. کسی که عشقش ماشینش است، ارزشش به همان میزان است، اما کسی که عشقش خدای متعال است، ارزشش به اندازه خداست. علامه فرمودند: من این مطلب را فکتم و جامعه‌شناسان برای چند دقیقه ایستادند و گفت: زنده. وقتی تشویق آنها تمام شد، من دوباره بلند شدم و گفتم: عزیزان! این کلام از من نبود؛ بلکه از بزرگی به نام امام علی(ع) است. آن حضرت در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «**فِيهِ كُلُّ أُمَّرٍيَ مَا يُحْسِنُهُ**»؛ ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد. آنها دوباره به نشانه احترام به وجود مقدس امیرمؤمنان علی(ع) از جا بلند شدند.

نظر: «جرج جرداق» مورخ مسیحی در پاسخ به اینکه دلیل انتخاب حضرت علی(ع) و انقلاب فرانسه چه بوده است، می‌گوید، پس از انقلاب فرانسه که غرب به قاتلانی برتری تبدیل شد و مردم در بین آنها بیشتر به گله‌های گوسفندنی در خدمت امرای خود تبدیل شده بودند، به این موضوع پی بردم که ایستخان انقلاب‌های بی‌دبی انجام داده است، در حالی که انقلاب‌های ایشان و رویدادهای آن از کشت و کشتار خالی بوده است و موظف شدم که جبهه علی [علیه‌السلام] را که خالص‌ترین جبهه‌ها است، بررسی و تحلیل کنم.



همراهی با رفتار قلدرمآبانه

صلحت‌نیت

□ **امیسن پناهی/** «آینده صلح و امنیت در خاورمیانه» نام نشستی است که پیش‌بینی می‌شد کشورهای تأثیرگذار جهان را علیه ایران متحد کند. با اینکه قرار بود نشست کاملاً در اصل و فرع و ظاهر و باطن یک نشست ضد ایرانی باشد؛ اما به دلیل اعتراض برخی شرکت‌کنندگان و البته دستگاه دیپلماسی کشورمان این عنوان برای آن برگزیده شد. این نشست که روز چهارشنبه و پنج‌شنبه در ورشو، پایتخت لهستان برگزار شد، از همان ابتدا دچار چالش‌هایی شد و از حدود ۸۰ کشور دعوت‌شده به این نشست آمریکایی–لهستانی تنها ۲۸ کشور در سطح مطلوب، یعنی وزرای خارجه شرکت کردند؛ اما تعدادی از کشورها، مانند ترکیه، عراق، لبنان و روسیه و برخی کشورهای اروپایی، مانند آلمان و فرانسه و حتی فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجه اروپا با وجود دعوت به این نشست از حضور در آن سر باز زدند.

اما چه اتفاقی افتاده است که آمریکا چنین هزینه‌ای را حالا چه از جیب خود، چه از جیب لهستانی‌ها می‌کند تا در آن، کشورها را علیه جمهوری اسلامی ایران بسیج کند؟ کشوری که روزی ژاندارم آمریکا در منطقه شناخته می‌شد و مستشاران آمریکایی برای شاه آن تعیین تکلیف می‌کردند، حالا به جایی رسیده است که آمریکا به تنهایی یارای مقابله با آن را ندارد و دست به دامان کشورهای دیگر می‌شود تا جبهه‌ای متحد علیه آن به وجود آورد!

علیه کشور خاصی نیست!

«یورونیوز» پیش از آغاز این نشست تیتیر زد: «گردهمایی ۶۰ کشور جهان برای حل بحران خاورمیانه»، اما این بحران چیست که قرار است در کشورهای آسیای غربی و بدون حضور مستقیم کشورهای تأثیرگذار آن حل شود؟ این خبرگزاری در گزارش خود پیش از آغاز این نشست نوشت: «هر چند پیشتر برخی مقامات آمریکا برگزاری نشست امنیتی ورشو را امکانی برای دستیابی به اجماعی فراگیر علیه سیاست‌های موشکی و مداخلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ارزیابی کرده بودند؛ ولی یاتسک چاپوتویچ، وزیر خارجه لهستان در روز سه‌شنبه و در کنفرانس خبری مشترک با همتای آمریکایی خود گفت که این نشست به طور مستقیم علیه کشور خاصی نیست و هدف اصلی آن رسیدن به راهکاری برای برقراری صلح در سوریه و یمن است.»

در واقع، باید بگوییم در برهه زمانی پیش از آغاز نشست دو میزبان، یعنی آمریکا و لهستان بر این مسئله که قرار است روی چه چیزی بحث کنند و برای چه چیزی باید راه‌حل بیابند، تفاهم نداشتند و این یعنی نشست ورشو بیش از آنکه کارکرد عملی و سیاسی داشته باشد، یک نمایش تبلیغاتی است که دونالد ترامپ و دوستانش طراحی کرده‌اند.

نوبت نشست‌های آشکار است

هر چند قرار بود این نشست به طور غیر

خبر تحلیلی

□ **محسن فخری/** یکی از خصوصیات تفکر غربی نابق جلوه دادن حق و حق جلوه دادن ناحق است. اندیشه غربی از وقتی که حول محور انسانیت و اخلاق نچرخید، نتیجه‌ای جز دشمنی، فساد، کشتار و تجاوز به حقوق انسان‌ها رقم نزد. آنچه غرب برای آسایش انسان در نظر داشت، نه تنها محقق نشد؛ بلکه خودش را هم دچار مخاطره کرد. تفکر غربی بدون اتصال به دستورات خداوند و وظایف تعیین شده از سوی پیامبران الهی، روشی را برای زندگی پیش گرفت که این روش به هر کجای عالم رفت، آنجا را به آتش قهر و غضب سوزاند. آن زمان که مدعیان مسلمانی به روش غربی به اصلاح در کشورشان دست زدند، هم خداوند و هم دستورات اسلامی انسانی به فراموشی سپرده شد و اندیشه‌های غربی ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد.

کشور عربستان که در سال‌های اخیر از طریق بن‌سلمان، این شاهزاده جنایتکار و جیره‌خوار آمریکا و رژیم صهیونیستی به اصلاحات اجتماعی و سیاسی دست زد، بر عکس ادعایش مبنی بر خادم حرمین شریفین، به خادم «غربین شرورین» تبدیل شد و به جای اصلاحات انسانی به اصلاحات شیطانی دست زد و می‌خواهد هر پلیدی که غرب آن را تولید کرده، وارد کشور خود کند. فعلاً که اصلاحات برای شهروندانش آواز رقاصه‌ها و سرگرمی‌های غیر اخلاقی آورده و قرار است تفکرات وهابیت که در خشم، نفرت و دشمنی غرق است، با تفکرات غربی که به نوعی دیگر با انسان و اخلاق فاصله دارد، ممزوج شود، چه شود این شهروند عربستانی با این تلقیف پلید و چه شود آتش دشمنی وهابیون عربستانی وقتی با تفکر غربی درآمیزد و تفکری نوهوایی را پدید آورد!

هنوز زمان زیادی از اصلاحات غربی نگذشته که حیوانیت و عداوت به جان طفلی معصوم می‌افتد و او را مذبوح اصلاحات بن‌سلمانی می‌کند. هنوز زمان زیادی از ورود بی‌قاعده نفرت و عداوت به کشور عربستان که خود گرفتار تفکرات ضد اسلامی است، نگذشته که

اخبارویژه

نشستی برای واگرایی!

به دنبال پایان نشست ضد ایرانی لهستان، اندیشکده آمریکایی «ستراتفور» درباره دلیل حضور نیافتن وزرای خارجه بیشتر کشورها در نشست ورشو نوشت: «بخشی از دلایل (حضور نیافتن وزرای خارجه) ناشی از این واقعیت بود که آمریکا این نشست را به یک اجلاس ضد ایرانی تبدیل کرده بود.» طبق گزارش این اندیشکده آمریکایی، «نشست (ورشو) به جای برجسته کردن همگرایی و اتفاق نظر در مسائل مربوط به امنیت خاورمیانه، تأکید بر واگرایی و اختلاف نظر بود. از همه قابل ملاحظه‌تر اینک، استدلال‌های آمریکا درباره لزوم اتخاذ مواضع سرسختانه علیه ایران در همراه کردن بسیاری از مقامات اروپایی با این مواضع بار دیگر شکست خورده است.»

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۷ - سال نوزدهم - شماره ۸۸۷

آیت‌الله املی‌لاریجانی، با تجلیل از حضور حماسی مردم در راهپیمایی و جشن چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی، گفت: ما باید به این مطلب توجه داشته باشیم که در تأیید و تصویب پارامو اگر نظری بدهیم، آیا واقعاً آن چیزی است که اروپایی‌ها از ما خواسته‌اند یا امر فراتری، همچون FATF را از ما توقع دارند؟ جمهوری اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت، مجلس و نهادهای دیگر آیا واقعاً مصلحت است که با این طلب‌های قلدرمآبانه کشورهای غربی همراهی کنند؟

گزارش صبح صادق از پیدا و پنهان نشست آمریکایی – صهیونیستی لهستان

شوی شکست خورده ورشو!

مستقیم برای مقابله با جمهوری اسلامی تلاش کند؛ اما گویا آمریکایی‌ها نتوانستند این موضوع را پنهان کنند و البته نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی معتقد است نشست‌های پنهانی و محافظه‌کارانه به اندازه کافی انجام شده و حالا نوبت نشست‌های بی‌بی‌سی مانیوتورینگ دست ترامپ را رو کرد و در گزارشی تحلیلی پیام‌های توتیتری در حمایت از نشست ورشو را بررسی کرد و نوشت: «بیش از ۱۴ هزار توتیتی که طی یک ماه گذشته در حمایت از این نشست منتشر شده است، تنها از هشت حساب کاربری ارسال شده‌اند.»

شاخه تحلیلی بی‌بی‌سی انگلیسی نیز درباره هدف این جریان توتیتری نوشت: «ظاهراً هدف این جریان، ایجاد یک ترند ساختگی است که قرار است نشان‌دهنده حمایت مردمی از نشست ورشو

□ **کنفرانس امنیتی ورشو پایان یافت و در بیانیه پایانی میزبانان از ایران نامی برده نشد. هر چند شرکت‌کنندگان به اینکه نام ایران در بیانیه پایانی برده شود، تمایلی نداشتند و البته این اتفاق هم افتاد، اما در ظاهر آمریکایی‌ها و لهستانی‌ها مصمم بودند تا این نشست را همان‌طور که می‌خواستند، نشان بدهند. در نشست خبری مشترک وزیران خارجه لهستان و آمریکا آن دو سعی کردند نکته جا افتاده از بیانیه را در این بخش جبران کنند**

در ادامه نارضایتی گسترده از نظام ایران باشد.
«اسپوتنیک» فارسی نیز در یک گزارش تحلیلی از اینکه ایالات متحده از این نشست چه می‌خواهد، نوشت: «نشستی که با میزبانی لهستان و تدارک پر هیاهوی ایالات متحده همراه بود، اما چنانچه انتظار می‌رفت، تاکنون چیزی فراتر از یک رهاورد تبلیغاتی گذرا نداشته است؛

بلکه با نوعی عقب‌نشینی تاکتیکی از جانب دعوت‌کننده اصلی، یعنی آمریکا همراه بوده است و یکی دیگر از تلاش‌های کاخ سفید در راه ایجاد ائتلاف چندجانبه علیه ایران را به «صلح و امنیت در خاورمیانه» تغییر عنوان داده تا از خالی ماندن صندلی‌های کنفرانسش جلوگیری کند.» در ادامه این گزارش آمده است: «در واقع این طور به نظر می‌آید که پس از اعمال نافرجام تحریم‌های دندان‌شکن از سوی آمریکایی‌ها در پی خروج آنها از «برجام»، مبارزات فعال برای ایجاد یک ائتلاف ضد ایرانی از آخرین بلیت‌های بخت‌آزمایی دونالد ترامپ خواهد بود. پس شاید بتوان از یک جنبه به دولت ترامپ حق داد که به طور مداوم، برنامه تبلیغات انتخاباتی خود را دنبال کند. هر چند به نظر می‌رسد تا اینجا ی کار، دولت ایالات متحده در نمایش تبلیغاتی خود نیز چندان موفق نبوده است.»

حقه توتیتری که رو شد

امریکا از نسوی دیگر برای آنکه نشان

هم‌پیمانانش در مقابل ایران سعی می‌کرد در حاشیه این نشست برای ایران خط و نشان بکشد. این نشست پایان یافت و شکست آن پیش از آغاز مسجل بود و به جزر آمریکا و رژیم صهیونیستی که ذوق‌زده در این نشست شرکت بودند، کسی منتظر نتیجه خاصی از این نشست نبود.

گل سوچی به دروازه ورشو

اما باید گفت نشست دیگری به طور موازی در شهر سوچی روسیه برگزار شد. رهبران تروئیسکا، یعنی ایران، روسیه و ترکیه در این نشست که همزمان با نشست ورشو برگزار شد، راه‌حل‌های بحران سوریه را بررسی کردند.

اسپوتنیک این دو نشست موازی را به مثابه رقابت دو تیم فوتبال دانست و تیتیر زد: «گل تیم سوچی به دروازه ورشو.» این پایگاه خبری با استناد به روزنامه بریتانیایی ایندپندنت نوشت: «شرکت‌کنندگان در این کنفرانس‌ها به مبارزه برای نفوذ و تقویت بلوک‌های ژئوپلیتیک مخالف یکدیگر در این منطقه ناپایدار توجه ویژه‌ای کردند.» هرچند بسیاری از کارشناسان نشست ورشو را یک نشست شکست خورده و بدون کاربرد می‌دانند، اما نشست سوچی را یک گام مثبت برای حل بحران سوریه از طریق سیاسی تلقی می‌کنند. نشریه آمریکایی VOX درباره نتایج نشست ورشو این‌گونه نوشت: «امریکا می‌خواست ایران را ایزوله کند، اما خودش منزوی شد!»

چهاراشتباه آمریکایی‌ها

در گزارش این نشریه آمریکایی چهار اشتباه آمریکا که سبب شکستش در ورشو شد، این‌گونه بیان می‌شود:

۱- کنفرانس بد شروع شد؛ رودی جولیان-وکیل شخصی ترامپ- در بین جمعیت مناقبین، علیه ایران سخنرانی کرد و این پالس را فرستاد که هدف، تخریب ایران است.

۲- حضور نمایندگان کشورها در کنفرانس ضعیف بود؛ رهبران آلمان، فرانسه و اتحادیه اروپا حضور نداشتند و سایر کشورهای عربی و اروپایی نیز با نمایندگانی در سطح پایین شرکت کرده بودند.

۳- حتی نمایندگان عالی‌رتبه‌ای که در کنفرانس حضور داشتند، با دلایلی غلط، جریان‌سازی خبری کردند، مانند نتانیاهو که توتیبت کرد و هدف کنفرانس را اتحاد برای جنگ علیه ایران دانست.

۴ سخنرانی تحکم‌آمیز مایک پنس- معاون ترامپ- که از اروپا خواست که از برجام خارج شوند.»

و در پایان این گزارش می‌نویسد: «جلاس ورشو، اساساً غیر ضروری بود، چون بنابر گواه خود سازمان جاسوسی آمریکا، ایران همچنان از برجام پیروی می‌کند.» در واقع باید گفت، ایالات متحده آمریکا یک شکست به شکست هایش در برابر جمهوری اسلامی افزود و این نشست نتیجه‌ای جز بی‌آبرو کردن رهبران این کشور نداشت.



مادری شاهد بریده شدن گلوی طفل معصومش می‌شود. آیا شایسته نبود حاکمان سعودی مدعی خادمین شریفین کمی از دستورات رسول‌الله(ص) را که به رحم، شفقت، محبت و مهربانی با دیگر انسان‌ها توصیه می‌کند، در کشورشان اجرایی کنند؟ آیا برای نشان دادن پیشرفت و توسعه باید تفکرات شیطانی را به جای تفکرات الهی– اسلامی در جامعه پیاده کنیم؟ آیا قتل و کشتار و فساد و ذبح کردن کودکان نشان پیشرفت و توسعه است؟ شهروندان کشوری که رسول خدا را از خود می‌دانند، نباید با دستورات ایشان اینقدر فاصله داشته باشند و اجازه دهند حاکمان‌شان به نام اسلام هر تعدی و تجاوزی را بر خود حلال بدانند. شهروندان کشوری اسلامی که به چشم خود دیده‌اند هر وقت از قرآن و رسول‌الله و اهل بیت(ع) او فاصله گرفتند، دچار بی‌رحمی و قتل و غارت شدند، نباید دل‌شان را به آواز زنان و پایکوبی در کنسرت‌ها خوش کرده و خود را از اخلاق دور کنند. در حال حاضر، حق انسانیت و نوع‌دوستی است که در تفکر غربی ناحق دیده می‌شود و ناحق شعلهور شدن خشم است که در تفکر غربی حق پندار می‌شود.

انعکاس وارونه	
پس از صدور بیانیه راهبردی «گام دوم انقلاب» از نسوی رهبر معظم انقلاب بیشتر روزنامه‌های کشور در روز پنجشنبه گذشته، تیتیر یک خود را به این بیانیه اختصاص داده بودند؛ اما برخی روزنامه‌های اصلاح‌طلب تنها بخشی از این بیانیه را تیتیر کرده و این عبارت را برگزیده بودند که «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است.»	
به نظر می‌رسد برخی با انتخاب گزینشی و برجسته کردن تنها بخشی از ایـن بیانیه مهم و راهبردی در صدد بودند روح این بیانیه را به صورت وارونه به مخاطب ارائه کنند.	

روی خط خبر

راهبرد فشار بر ایران

در روزهای گذشته، ویدئویی عجیب از رئیس FATF منتشر شد که به صراحت نشان می‌دهد، آمریکا اصرار دارد لوائح مربوط به FATF در ایران تصویب شود. در جلسه استماع کنگره که مارشال بیلینگزلی (دستیار معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا و رئیس کنونی FATF) درباره ایران سخن می‌گفت، در پاسخ به این پرسش که: «چگونه فشار را بر روی رهبران ایران و مؤسسات مالی حفظ کنیم تا مطمئن شویم سیاه و مؤسسات مالی مرتبط با آن در تحریم‌ها رخنه ایجاد نکنند و آن را دور نزنند؟»، گفت: «در زمینه حفظ فشارها بر روی حکومت ایران، یکی از کارهایی که آنها (ایرانی‌ها) باید انجام دهند این است که باید یک چارچوب قانونی ایجاد کنند و برای توقف تأمین مالی تروریسم پاسخگو باشند.»

تندروها از نظر آمریکا

«وندی شرمن» سرپرست تیم آمریکایی در مذاکرات هسته‌ای برجام که سابقهٔ توهین کردن به مردم ایران را هم در کارنامه‌اش دارد، در مصاحبه‌ای گفته است: «من درباره ایرانی‌ها (به دو دسته) تندروها هستم و تندروها تندرو که قبلاً درباره آن صحبت کرده‌ام، قائلم و آنها[اعضای مذاکره‌کننده ایرانی برجام] را میانه‌رو نخوانده‌ام.» وی درباره آینده برجام نیز گفته است: «تندروهایی که روی برجام (ظریف و روحانی) کار کردند، خواهان آن هستند که بقا پیدا کنند و تندروهای تندرو وقتی که آمریکا از توافق خارج شد تقویت شدند؛ چرا که آنها گفتند، ببینید ما به شما گفتیم بودیم که به آمریکا اعتماد نکنید، آنها به ما احترام نمی‌گذارند، آنها از توافق خارج می‌شوند.»

ایران منزوی نیست!؟

عطاءالله مهاجرانی در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی، درباره ادعای منزوی شدن جمهوری اسلامی و مقایسه ایران با کره شمالی گفت: «با گر ما کره شمالی می‌دویم که کاری با ما نداشتند. آمریکایی که یک ژنرال (آیزنهاور) را می‌فرستاد برای ایران تصمیم بگیرد، حالا بنا دیگران در ورشو جمع شده و خواسته همه دنیا را جمع کند، ناموفق بوده؛ می‌گوید ما باید ایران را محدود کنیم؛ اگر ایران محدود و منزوی بود که این همه طبل و کارناوال و این همه سروصدا از کجاست. این نشان می‌دهد که یک اتفاقی افتاده و من معتقدم این اتفاق، استقلال است.»

فرق ایران و مصر

اسداللهی کارشناس منطقه‌ای با مقایسه ایران و مصر به کارآمدی رویکرد مقاومت در سیاست خارجی ایران اشاره کرد و گفت: «در مصر رویکرد مقاومت در سیاست خارجی ایران اشاره کرد و گفت: «در مصر از کجاست. این نشان می‌دهد تبعیت از محدود و منزوی بود که این همه تولیدی ندارد و فقط واردکننده است. حتی این کشور مجبور شد دو جزیره خود را به عربستان بفروشد تا کمک مالی بگیرد. مصر در منطقه جایگاه خاصی ندارد و در معادلات محو شده است و این نشان می‌دهد تبعیت از آمریکا قدرت نمی‌آورد، وگر نه الان مطلق هستند که معارضان این رقم را ۵۵ درصد می‌دانند. این کشور هیچ

تولیدی ندارد و فقط واردکننده است. حتی این کشور مجبور شد دو جزیره خود را به عربستان بفروشد تا کمک مالی بگیرد. مصر در منطقه جایگاه خاصی ندارد و در معادلات محو شده است و این نشان می‌دهد تبعیت از آمریکا قدرت نمی‌آورد، وگر نه الان مطلق هستند که معارضان این رقم را ۵۵ درصد می‌دانند. این کشور هیچ

واقعاً انحرافی

عبدالرضا داوری، از نزدیکان احمدی‌نژاد که مشاور رسانه‌ای وی هم است، با انتشار مطالبی یک بار دیگر عمق فاجعه انحراف فکری جریان بهار را یادآوری کرده و نوشته است: «رضا پهلوی می‌ها اگر به خداگوئگی انسان باور داشته باشد و برای توانمند شدن انسان‌ها تلاش کند و با هر شیوه‌ای که برای انسان‌ها حقارت و ذلت می‌خواهد، مبارزه کند، حتماً بهاری است.» شاید همین چند سطر نوشته برای پذیرش رضا پهلوی در جمع انحرافیون بهاری کافی باشد که نشان دهد انحراف این جریان تا کجا پیش رفته است.

تلاش برای استحاله

برخی چهره‌های اصلاح‌طلب در چهل سالگی با طرح اینکه «پس از ۳۰ سال باز هم در قانون اساسی باید بازنگری و اصلاحات انجام داد»، به دنبال فرار از ناکارآمدی مدیریتی خود و مقصر دانستن نظام هستند. بعضی از اعضای حزب کارگزاران سازندگی در مطالبی تصریح می‌کنند، مشکل اصلی ساختاری است؛ به گونه‌ای که ما تمرکز قدرت را هم در کشور داریم و هم نداریم.

روی خط خبر

دروغ هسته‌ای جدید

دو روزنامه انگلیسی مدعی شدند، سازمان‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی، بریتانیا و آمریکا در عملیاتی مشترک یک «دانشمند هسته‌ای ایران» را با قایق بادی به بریتانیا بردند. روزنامه‌های «دیلی میل» و «ساندی اکسپرس» نوشتند مقامات اطلاعاتی بریتانیا با بهره‌گیری از موج اخیر پناهجویانی که در جست‌وجوی رسیدن به بریتانیا هستند، این ایرانی را وارد کشور کردند. این روزنامه‌ها گزارش‌های خود را با استناد به یک «منبع اطلاعاتی بریتانیا» منتشر کرده‌اند؛ اما نام او و نیز نام فرد ایرانی را منتشر نکرده‌اند. این گزارش‌ها فرد یاد شده را با عنوان‌های متضادی از «تکنسین» و «مهندس» گرفته تا «دانشمند هسته‌ای» معرفی کرده و نوشته‌اند، او در حال حاضر به آمریکا رفته است. گویا آمریکا درصد است با استناد به این موضوع گزارش‌های دروغ جدیدی علیه ایران منتشر کند.

چار چوب خام‌اندیشانه

برخی افراد سیاسی با محتمل دانستن مذاکره میان ایران و آمریکا تصریح می‌کنند، ایران در موضوع هسته‌ای مذاکره کرد، مذاکراتی که دو سال به درازا کشید و در نهایت برجام شکل گرفت. ما که هنوز از آن خارج نشده‌ایم و به آن پایبند هستیم و این ترامپ بود که از آن خارج شد. ترامپ باید معذرت‌خواهی رسمی و عملی کند تا دوباره مذاکراتی شکل بگیرد. معذرت‌خواهی رسمی به این شکل که به صورت زبانی آن را اعلام کند و معذرت‌خواهی عملی هم اینکه با اذعان به اشتباه خود به برجام برگردد. اگر این کار را نکنند، طبیعی است که دوباره می‌توان در این چارچوب مذاکره کرد. این چارچوب خام‌اندیشانه پیش از این هم وجود داشت و گفتند امضای کری تضمین است!

افزایش خطر در تاجیکستان

با وجود اینکه تاجیکستان کشوری پارسی‌زبان با هویت و تاریخ کاملاً ایرانی است که در حوزه گستره فرهنگی ایران قلمداد می‌شود؛ اما دیپلماسی ضعیف ایران و برخی اختلافات در این حوزه سبب شده است عربستان کم‌کاری ما را جبران کرده و نفوذ خود را که برای گسترش اندیشه‌های خطرناک وهابیت است، در تاجیکستان گسترش دهد. در سفر اخیر هیئت اعزامی وزارت امور اسلامی عربستان به تاجیکستان، شیخ عبدالصیر نایب، مفتی تاجیکستان اعلام کرده است: «ملت تاجیکستان زحمات و کمک‌های مالی خادم حرمین شریفین و فعالیت وزارت امور اسلامی عربستان برای ترویج اسلام معتدل و میانه‌رو و مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم را ارج می‌نهند. علاقه خادم حرمین شریفین به رفع مشکلات مسلمانان برای همه جهان آشکار شده است.»

دیپلماسی عمومی ترکیه

رسانه‌های ترکیه ادعا می‌کنند، سربال‌های تلویزیونی ترکیه را بیش از نیم میلیارد نفر در ۱۵۶ کشور جهان دیده‌اند. ساخت سربال‌های تلویزیونی هجو، غیر اخلاقی و ملو از دروغ، تحریف تاریخ و فحشا از سوی دولت ترکیه اکنون به ابزاری برای گسترش حوزه نفوذ فرهنگ عثمانی تبدیل شده است و دولت این کشور با ساخت چنین سربال‌های ماهواره‌ای که بخش عمده‌ای از آن را به زبان فارسی برای کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان ترتیب داده، به منزله دیپلماسی عمومی نفوذ و تغییر بافت فرهنگی استفاده می‌شود.

وضعیت امیدبخش سوریه

براساس جدیدترین تحلیل‌های بین‌المللی از اوضاع سوریه، دوران جنگ در این کشور به پایان خود نزدیک می‌شود و انتظار می‌رود سوریه بتواند به‌زودی بازسازی اقتصادی خود را آغاز کند؛ اما نکته قابل توجه این است که با وجود همکاری اقتصادی ایران و سوریه، کشورمان سهم اندکی در بازار این کشور دارد!

رہیافت

افزایش مخالفت‌ها

با تصویب پارمو

رہیافت

منطق رونمایی از شهر تولید موشک بالستیک در اعماق زمین

ابوالحسن سلطانی‌زاده/ در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و

در دهه فجر، پخش خبر و گزارشی غرور‌آفرین از سیمای جمهوری اسلامی ایران یک بار دیگر اقتدار و قدرت نظام اسلامی را به رخ جهانیان کشید و دل و جان یک ملت را سرشار از تحسین و افتخار کرد. خبر این بود: «رونمایی از شهر تولید موشک بالستیک نقطه‌زن در اعماق صدها متری زمین». اما شماع برد آن تا هزاران کیلومتر پیش رفت و یک بار دیگر نیروی هوافضای سپاه و جوانان خودباور و خداباور و انقلابی این نیرو را سر زبان‌ها انداخت.

پخش گزارش ده دقیقه‌ای بازدید و رونمایی این شهر کارخانه موشکی از سوی فرمانده کل سپاه و فرمانده نیروی هوافضای سپاه و بازتاب گسترده داخلی و خارجی آن، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که منطق این رونمایی و اساساً پیام‌های آن چیست؟ در ذیل به اختصار به مواردی اشاره می‌کنیم؛

۱- ارتقای قدرت رزم یک دست‌نور قرآنی است و براساس آیه شریفه «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» نظام اسلامی موظف به پیروی از دستور قرآن کریم است و تا آنجا که می‌تواند، باید این ارتقا را فزونی بخشد. همچنین براساس این آیه شریفه، هدف از ارتقای توان دفاعی کشور «تُرْهَبُونَ بِهٖ عَذَابِ اللَّهِ وَعَذَابِكُمْ» ذکر شده و این به معنای بازدارندگی است. در واقع تعرض نظامی به ایران اسلامی نباید حتی به ذهن دشمن برسد و این تعرض نکردن محتاج رساندن او به مرز مطلق بازدارندگی است که با نمایش قدرت نظامی حاصل می‌شود.

۲- پاسخ دندان‌شکن به پایه‌سرای غربی‌ها که تصور می‌کنند با تحریم و تهدید و شرط‌گذاری می‌توانند قدرت موشکی را متوقف کنند یا با مذاکره و معامله آن را محدود کنند و اینکه مسیر رشد و توسعه و تقویت توان موشکی هیچ ارتباطی با مسیر SPV و INSTEX ندارد و تلاش دشمن برای همسو کردن این دو، تلاشی مذبحخانه و بی‌فایده است.

۳- اعلام رسیدن به قله فناوری نقطه‌زنی موشکی، همان‌گونه که در سخنان فرمانده کل سپاه اشاره شد، با این حرکت، توان کامل دفاعی‌مان را در چهل سالگی انقلاب اسلامی اعلام کرده‌ایم و با افتخار می‌گوییم که ما به لطف الهی و همت جوانان انقلابی به اوج ساخت فناوری موشک‌های زمین به زمین بالستیک رسیده‌ایم.

۴- باطل‌السحر کردن رؤیای فروپاشی نظام در ۴۰ سالگی آن‌گونه که در اظهارات ترامپ، بولتون و پمپئو آمده بود؛ با ارسال این پیام مقتدرانه که کوچک‌ترین تغییر در مسیر دفاعی و توان دفاعی کشور ایجاد نشده است. کارخانه‌های موشکی زیرزمینی رویشی دیگر در زمینه توان دفاعی است و همچنان شتر در خواب بیند پنبه‌دانه.

۵- براساس همه نظرسنجی‌های معتبر داخلی و خارجی قاطبه ملت با درصد بالایی خواهان ارتقای قدرت موشکی برای حفظ امنیت کشور و ایجاد بازدارندگی هستند؛ از این رو رونمایی از شهرهای تولید موشکی پاسخ شایسته به یک مطالبه هوشمندانه از سوی مردم است.

۶- فرصت‌سازی از تهدیدات، اگرچه دشمن با همه توان برای مستأصل کردن فناوری موشکی از راه تحریم و تهدید فشار می‌آورد؛ ولی این رونمایی یعنی ناکام بودن دشمن در تهدید و بالعکس موفقیت نظام اسلامی در عبور از گردنه تحریم‌های نظامی و تبدیل فرصت برای رشد و بالندگی صنایع موشکی. ۷- تحقق بیانات و مطالبه رهبر معظم انقلاب اسلامی از جوانان مؤمن انقلابی، آنجا که در دانشگاه

امام حسین(ع) فرمودند: «بله، ما موشک داریم، موشک دقیق داریم، موشک ما هدف را با فاصله چند متری از فاصله چند هزار متری قادر است بزند، این را با قدرت به دست آوردیم و با قدرت حفظ می‌کنیم و با قدرت افزایش خواهیم داد. ان‌شاءالله.»

اخبار

تکرار یک ادعای غلط!

به تازگی، علی مطهری در برنامه «رو در رو» مطلبی درباره نامه‌های امام خمینی(ره) به آیت‌الله منتظری و نهضت آزادی بیان کرد که واکنش‌های متفاوتی در پی داشت. وی در این برنامه گفته بود: «نهضت آزادی ایران یک گروه با سابقه اسلامی است. فکر نمی‌کنم نامه منسوس به امام درباره نهضت آزادی، واقعاً از امام باشد، نامه مربوط به آقای منتظری هم بعید می‌دانم از امام باشد.»

چند ساعت از این صحبت نگذشته بود که دفتر حفظ و نشر آثار امام(ره) به این ادعا پاسخ گفت. حمید انصاری، قائم‌مقام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) در مصاحبه با جماران می‌گوید: «در کمال ناباوری برادر عزیز جناب آقای علی مطهری در مصاحبه‌ای تصریح کردند که در انتساب نامه معروف به امام فروردین متعلق به امام و خطاب به آیت‌الله منتظری و همچنین در انتساب نامه امام درباره اعضای نهضت آزادی شک دارند.

بیان این مطلب که تاکنون در موارد بسیار توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام مورد تبیین قرار گرفته، آن هم از ناحیه نایبرئیس مجلس بسیار جای تعجب و تأسف دارد.» در همین حال مطهری بار دیگر گفت: «به نظرم هم به لحاظ محتوایی و هم به جهت تطبیق دست‌خط، این نامه نمی‌تواند منسوب به امام باشد. شاید برخی به دنبال حذف برخی گروه‌ها بودند، به همین دلیل دست به چنین کاری زدند. البته این نظر شخصی من است و باید دید دیگران چه نظری دارند.» باید از علی مطهری پرسید چه اسراری دارد درباره موضوعاتی که اسناد و محکمات آن موجود است، شبهه ایجاد کند؟ چه نیازی می‌بیند که در این شرایط درباره مسائل و مشکلات نهضت آزادی و مهندس بازرگان و آقای منتظری تشکیک کند؟

آیت‌الله محمدی عراقی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره جزئیات جلسه اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام دربار پارمو با تأکید بر اینکه، به دلیل اقدامات اخیر اتحادیه اروپا دیدگاه‌های مخالفان کنوانسیون پارمو تقویت شده بود و بیشتر کسانی که به بیان دیدگاه خود پرداختند، مخالف تصویب پارمو بودند، گفت: موضوع معاهدات بین‌المللی باید زوال قانونی خود را طی کند. آیت‌الله املی‌لاریجانی پیش از این موافق تصویب پارمو بودند، اما به نظر من ایشان نظرشان کمی تغییر کرده است.

دیدگاه

عبور از چریک پیر برای عبور از روحانی

حسین عبداللہی فر/ مصاحبه بهزاد نبوی با خبرگزاری ایرنا با استقبال رسانه‌های اصلاحات مواجه نشد. روزنامه «شرق» در انعکاس آن تیتُر «مردی که دیگر چریک نیست» را انتخاب کرد. البته، این روزنامه تلاش کرد علت «چریک نبودن» وی را ظاهر خمیده‌اش جلوه دهد. چنانکه تیتُر فوق را ذیل تصویری خمیده از وی درج کرده و درباره علت معرفی او به عنوان چریک پیر نوشت: «بهزاد نبوی، با آنکه در ۷۶ سالگی به سر می‌برد؛ اما هنوز به «چریک» بودن شهره است. شاید دلیل این نام‌گذاری فعالیت‌های مبارزاتی قبل از انقلاب او باشد و ارتباطش با گروه‌های چپ آن موقع و البته، مصطفی شجاعیان؛ نامی که تا مدت‌ها به چماقی علیه نبوی تبدیل شده بود. شجاعیان، مارکسیست ضدلنینی و از مخالفان حزب توده و چریک‌های فدایی خلق به شمار می‌رفت. او از مؤسسان جبهه دموکراتیک خلق بود که بهزاد نبوی هم از اعضای آن به شمار می‌رفت.»

این در حالی است که اگر قرار بود سوابق وی و وابستگی‌اش به چریک‌های فدایی خلق علت شهرتش به «چریک پیر» باشد، این عنوان نه برایش مفید بود و نه افزایش سن او سبب پاک شدن سوابقش می‌شود؛ لذا گرفتن نقش چریکی از بهزاد نبوی را باید عبور اصلاح‌طلبان از او تعبیر کرد که دلایل فراوانی نیز دارد. برخی از آنها عبارتند از:

۱- اولاً، نبوی پس

از فتنه ۸۸ و حبس شش

ماه‌هاش مواضع متفاوتی گرفته و حتی نسبت به تحصنش در مجلس ششم اظهار ندامت می‌کند. طبعی است، وی با این مواضع دیگر نمی‌تواند نقش چریکی برای افراطیون داشته باشد. وی در همین مصاحبه نیز می‌گوید: «مدتی است که نظراتم درباره کل انقلاب‌ها را بیان می‌کنم و در مجموع ضد اپرپاریا [انقلاب شده‌ام. انقلاب به معنای زیر و رو کردن، امر میمون و مبارکی نیست.»

۲- ثانیاً، نظراتش درباره اصل انقلاب و دستاوردهایش نیز برای برخی از افراطیون خوشایند نبوده و نیست. وی در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا می‌گوید: «البته، بحث شما مقایسه انقلاب با انقلاب‌های دیگر نیست، ولی اگر هم باشد، می‌گویم انقلاب ما باز هم از انقلاب‌های دیگر وضع بهتری دارد و در تحقق اهداف، زیر و رو کردن و از هم پاشیدن وضعیت قبل، کمی بهتر از دیگران عمل کرد؛ البته ما هم کارهای غیر قابل قبول و غیر قابل دفاع انجام دادیم، ولی نسبت به سایر انقلاب‌ها وضعیت انقلاب ما بهتر است و در تحقق اهداف خود، یعنی «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» جلوتر است، چرا که توانسته است تا حدی به شعارهایش تحقق ببخشد.»

۳- علاوه بر این، مواضع امروز نبوی نیز با اغلب اصلاح‌طلبان در موضوع تعامل با دولت همخوانی

ندارد. چنانکه می‌گوید: «پیشتر هم فتنه‌ام عده‌ای از اصلاح‌طلبان به دو دلیل می‌خواهند خرج

خودشان را از دولت جدا کنند؛ یکی اینکه، احساس می‌کنند جامعه از وضع موجود ناراضی است

و نمی‌خواهند این نارضایتی متوجه خودشان شود. دوم اینکه، تعداد کمی از دوستان هستند که

می‌دانند مشکل از کجاست، ولی چون انتقاد از دولت بی‌هزینه‌ترین انتقاد است، ترجیح می‌دهند

همه کاسه و کوزه‌ها را سر دولت بشکنند.»

۴- مهم‌تر از همه اینکه، مدتی است واقعیت‌هایی بر زبان نبوی جاری می‌شود که به زبان اصلاح‌طلبان است آنجا که می‌گوید: «اصلاح‌طلبان نباید تصور کنند که می‌توانند خرج‌شان را از دولت جدا کنند. همان جوانی که قرار است دل‌شان را به دست آورند؛ خواهند گفت شما اگر قدرت تحلیل صحیح داشتید، یک سال و نیم پیش به ما می‌گفتید تا به روحانی رأی نمی‌دادیم. چطور در این مدت کوتاه به این کشفیات جدید درباره روحانی رسیدید؟! از کجا معلوم حالا هم اشتباه نمی‌کنید. اگر مردم احساس کنند چون روحانی وضع خوبی ندارد، شما خرج‌تان را جدا می‌کنید، شما را به «نامردی» هم متهم خواهند کرد.»



تبیین

دولت مقاومت؛ پادزهر جنگ اقتصادی دشمن

حسَن خدایی/ تمرکز بر روی جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران یک عقبه حداقل ۱۵ ساله دارد. در واقع، بیش از ۱۵ سال است که آمریکا طرحی‌های زیادی برای از پا درآوردن اقتصاد ایران انجام داده است و در این مسیر، گام‌به‌گام طرحی‌های خود را اجرا می‌کند که اوج این جنگ اقتصادی، تحریم‌های سال‌های پایانی دولت دهم (۱۳۸۹) به بعد) بود. یکی از مصادیق این جنگ تمام‌عیار اقتصادی، در سال ۱۳۹۱ اتفاق افتاد که براساس آن آمریکا بانک مرکزی و نفت ایران را تحریم کرد. افزون بر این، دیگر طرحی‌ها نیز در همین راستا برای از کار انداختن نظام مالی کشور در دهه‌های اخیر انجام شده است؛ ما از نظر هدف نیز، هدف آمریکا را در تقابل با ایران می‌توان به سه بخش اهداف کوتاه‌مدت، اهداف میان‌مدت و اهداف بلندمدت تقسیم کرد، به‌گونه‌ای که در این تقابل، اهداف اولیه عمدتاً اقتصادی است و براساس آن آمریکا در بی فلج کردن پایه‌های اقتصادی کشور است تا اقتصاد ایران دچار مشکلات جدی شود. به این جهت در وهله اول با ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور، قصد دارد زندگی مردم را دچار مشکل کند؛ اما اهداف میانی این تقابل این است که قصد دارد با اختلال در نظام اقتصادی کشور و ناکارآمد نشان دادن حاکمیت، بین مردم و مسئولان فاصله ایجاد کند. به عبارت دیگر مردم را از نظام اسلامی ناامید کند.

در نهایت، هدف بلندمدت آمریکا، موضوع تغییر رفتار نظام اسلامی در آن حوزه‌هایی است که با استتکبار جهانی چالش دارد. به یک معنا قصد دارد با ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور، سپس ایجاد ناامیدی در مردم و فاصله انداختن بین مردم و مسئولان، نظام اسلامی را به تغییر رفتار خود مجبور کند.

راهکارهای زیادی در این امر وجود دارد و به جرئت می‌توان گفت هیچ بن‌بستی در مقابله با تهدیدات آمریکا وجود ندارد، به این صورت که اگر اراده‌های جوانان مؤمن بن‌بست‌شکن شکل بگیرد و لوازم این مقابله ایجاد شود، می‌توان با این جنگ که از فرماندهی و طراحی گسترده برخوردار است، پیروز بیرون آمد. مسئله امنیت در عصر کنونی دیگر تک بعدی و فقط در تقویت توان نظامی خلاصه نمی‌شود و موضوعی چند بعدی است. ایران با تکیه بر توان داخلی خود، مؤلفه‌های بومی قدرت و تأثیرگذار ایجاد کرده که امروز در محیط پیرامونی نامن خود از «امنیت پایدار» برخوردار است. این امنیت پایدار مبرهن قدرت نظامی، نیروهای مسلح کارآمد، علم و پیشرفت علمی، اقتصاد قوی و مستقل، نیروهای نظامی وفادار، «دولت مقاومت» و مشارکت سیاسی است. مجموعه پویای این عوامل اقتدار، قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد که دشمنان را از هر گونه تعرض به ایران برحذر می‌دارد.

به همان اندازه که قدرت نظامی از جمله ادوات جنگی، نظیر ساخت موشک برای کشور، اقتدار به ارمان می‌آورد، داشتن اقتصاد قوی و موفقیت در عرصه علم و فناوری در برخورداری از دولت مقاومت و مشارکت سیاسی مردم هم لازمه تقویت قدرت بازدارندگی است. «دولت مقاومت» یعنی اینکه در برابر تحکم دشمنان عقب‌نشینی نکند و در لاک دفاعی فرو نرود. به تعبیر امام خمین‌ای، «دولت مقاومت» نه اهل سلطه‌طلبی و دست‌اندازی به کشورها است و نه در موضع دفاعی و انفعالی قرار دارد: «جمهوری اسلامی دولت مقاومت است؛ دولت مقاومت که سیاست دارد، اقتصاد دارد، نیروی مسلح دارد، حرکات بین‌المللی دارد، منطقه نفوذ وسیع در درون کشور و بیرون کشور دارد؛ این بسیار مهم است و با هیچ عنصر مقاومت دیگری قابل مقایسه نیست.»(۱۳۹۶/۲/۲۰)

بر اساس تبیین معظله، «ولت مقاومت» دارای شاخصه‌های به‌هم‌تنیده و تکمیل‌کننده سیاست، اقتصاد، نیروهای مسلح، تحرک بین‌المللی و منطقه نفوذ وسیع است. این شاخصه‌های به‌هم‌پیوسته تقویت‌کننده مؤلفه «قدرت بازدارندگی» است و از جمهوری اسلامی ایران نشأت می‌گیرند، مستقل و دارای سبک و نفوذ سیاسی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ساخته است. با توجه به همین اصل اساسی، رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها به دشمنان جمهوری اسلامی ایران هشدار دادند دوران «بزن دروو» گذشته و آنها ممکن است شروع‌کننده هر تحرکی باشند؛ اما پایان کار دست دشمنان نخواهد بود.

نکته گرام

احمد تولکی: درباره پذیرش FATF ابهام داشتیم؛ اما بیابانه وقیحانه اروپا و شرایط تحقیرآمیزش برای تجارت با ایران در اینستکس، نشان داد در مقابل مستکبران هرچه کوتاه بیاییم، طلبکار تر و گستاخ‌تر می‌شوند و پایدانی هم ندارد. تجربه و منطق می‌گوید التماس از متکبر، معیشت را بر مردم تنگتر خواهد کرد. **علی علیزاده:** رضا پهلوی یک ماه پیش سقوط هواپیمای ارتش را تسلیت گفت؛ اما مقابل انفجار اتوبوس سپاه به دست تروریسم وهابی مطلقاً ساکت بود. چرا؟ چون مشاوران صهیونیستش در اف‌دی‌دی گفته‌اند بین ارتش و سپاه فاصله بینداز؟ یا چون از سعودی پول گرفته و حامی مالی خودش و حامی مالی تروریست‌های سیستان یکی است؟

علیرضا زاکانی: حضور گسترده مردم ایران در جشن انقلاب، حکایت‌گر پیام ملت در پیگیری استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت معنوی و مادی کشور و ظلم‌ستیزی و مظلوم‌نوازی در جهان و نویدبخش بر بام جهان نشاندن ایران اسلامی در آینده نزدیک است.

عبدالناصر همتی: بدون داشتن اطلاعات روز و ضروری، ممکن است تحلیل‌هایی انجام دهیم که محقق نشدن آنها اعتبار تحلیلگر را زیر سؤال ببرد. متأسفانه، در وضعیت جنگ اقتصادی و بیم از استفاده بدخواهان و سودجویان و علی‌رغم میل باطنی، برخی اطلاعات اقتصادی و توانایی‌ها قابل ارائه عمومی نیست، لذا به دوستان اقتصادی توصیه می‌کنم در ارائه تحلیل احتیاط لازم را داشته باشند و تحلیل‌های دور از واقعیت که جز ایجاد نگرانی بیشتر در مردم ثمرهای ندارد، ارائه ندهند. **محمد رضا باقری:** مهم‌ترین فیلم‌سازی که ضد منافقین فیلم می‌ساخت، تحت تأثیر حملات ناجوانمردانه اعلام کرده دیگه در این باره نمی‌سازد. حالا فیلم‌ساز سمپات منافقینه یا کسی که اون رو به این نتیجه رسونده، پازل منافقین رو کامل کرده؟



حیرت‌بازدیدکنندگان خارجی از توانایی‌های پهبادی ایران و انداختن عکس یادگاری با تجهیزات ایرانی؛ این عزت است، یا زمانی که خلبانان ایرانی با ذوق و شوق با هواپیماهای خارجی عکس می‌انداختند؟!

نصب مجسمه امانتدار معروف زنجانی که دوچرخه‌ای را ۴۵ سال نزد خود نگه داشت تا صاحبش برای دریافتش بیاید. او چندی پیش درگذشت، اما تا آخرین لحظه امانت‌دار بود

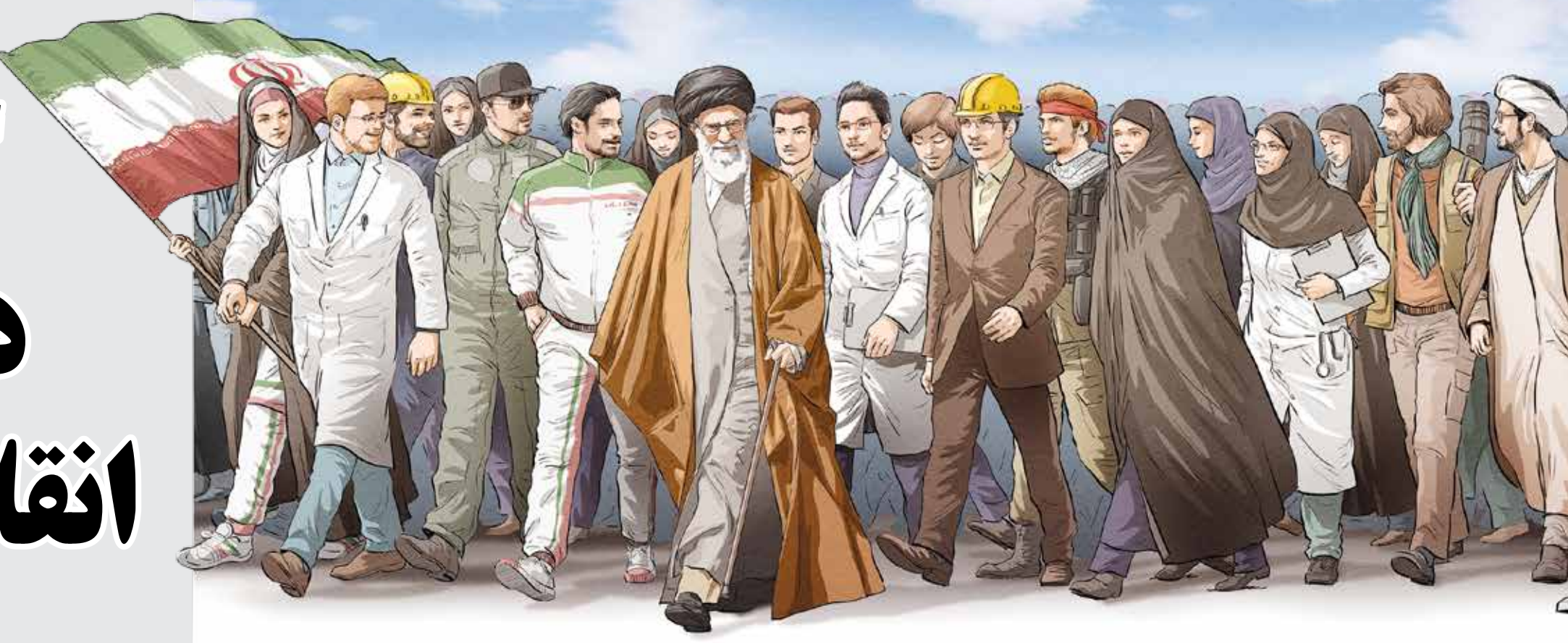
کار تحسین برانگیز مامور سروانی؛ عبور دادن عابران کودک در سیلاب عبوری از خیابان؛ کار خوب باید دیده شود



امیدم
به طبقه جوان است

امام خمینی(ره) می‌فرماید: «حس مسئولیت نسل جوان و کوشش‌های بی‌شائبه آنان در راه دفاع از اسلام، در خور تقدیر و امیدواری است. اینجانب چشم امیدم به جوانان روحانی و دانشگاهی مسلمان بوده و انتظار دارم که با تهذیب نفس و اخلاص، مطالعات و تحقیقات وسیع و دامنه‌داری را در زمینه شناخت احکام اسلامی و مبانی نورانی قرآن آغاز نمایند؛ اسلام واقعی را بشناسید و بشناسانید. اینجانب امیدم به طبقه جوان، عموماً دانشجویان خارج و داخل، اعم از روحانی و غیره می‌باشم.»

امام خامنه‌ای در منشوری مهم و راهبردی ضمن تبیین دستاوردهای چهل ساله، الزامات فصل جدید جمهوری اسلامی را تشریح کردند



گام دوم انقلاب

رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس و وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلودی جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقت و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و با کیفیت‌تر شده است. اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و بیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی قعال و پیشرو است. سابعاً، نماد پر اہت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در

مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت. ثالثاً، مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند. رابعاً، بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه شگفت‌آوری ارتقا داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب به خصوص آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر بیرون آورد؛ این‌گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت. خامساً، کفّه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. ناراضیاتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جا کشور و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و

ثانیاً، هیچ تجربه پیشینی و راه طی‌شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریّت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی، به دست نیامد و این نخستین درخشش انقلاب بود. پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادخواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بستر راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدّت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و طوطه و خیانت، امکان‌پذیر نمی‌شد. به رغم همه این مشکلات طلاق‌فرسا، جمهوری اسلامی روز به روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفت‌های چهل ساله ملت ایران آنگاه به درستی دیده می‌شود که این ملت، با مذت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما

تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند. جمهوری اسلامی، متخجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست؛ اما به اصول خود به شدّت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدّت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمانخواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد. انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای با آمریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضریب متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه خود یا گوش سپردن به تجربه دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری اگر آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید که یابند کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود جراتست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافده) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌های درس گرفت. اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌های قوی، تحریف و دروغ‌پردازی دربارۀ گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنمان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیادۀنظامش نمی‌توان شنید. انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد؛ اولاً، همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه‌و نه به زور شمشیر خود-بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی، و چه وضع به شدّت ناپسaman داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و به دهه پنجم حیات خود قدم نهاد که اگر چه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند؛ اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند.

در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور بیانیه «گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته را تبیین کرده و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطالعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد.

این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافده) هست» نزدیک خواهد کرد. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا و محمّد و آله الطّاهرین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باحسان الی یوم الدّین.

از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُر شکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُر افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود.

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هر چه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احترام می‌دهند، دست و پنجه نرم می‌کند و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلائیّت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشند و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما

انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادخواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت

امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخار آفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. سادساً، عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی(ره) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود، ولی

دستاندازی به استقلال دیگر کشورها و باپمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن تا هم امروز از سلطه دوباره قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدّت جلوگیری کند. جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل ساله انقلاب اسلامی است، انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید. محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گرانبها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به بالاتر دانش‌ها و فناوری‌ها، مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود-که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود-بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت. ایبران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است، اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن



پیشروتر از نسل اول

▶ لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است و باز اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هوشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت بدهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به‌کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.

نکته مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌ظئیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجاد شده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۴۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشوروند و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.

به جز اینها، فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک

درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است؛ منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُر تلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه دوم چشم‌انداز،

باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقا یابد.

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزّت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نوسمیدی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال– و اکنون مانند همیشه–سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، اطلاعاتی مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن

امام‌خامنه‌ای(مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «انقلاب با قدرت و با نشاط دارد پیش می‌رود؛ چهل‌سالگی انقلاب دوران پیری انقلاب نیست، دوران عقب‌گرد انقلاب نیست، دوران پختگی و نشاط انقلاب است. انقلاب در چهل سالگی، بحمدالله با قدرت، با حفظ شمارها و با برافراشته بودن پرچم‌های اصلی، همچنان دارد پیش می‌رود. دشمن امیدوار بود– این نکته مهم است– که نسل سوّم انقلاب و نسل چهارم انقلاب از انقلاب روگردان بشوند، اولی‌ا امروز گرایش و پایبندی نسل سوّم و چهارم انقلاب به انقلاب و علاقه‌مندی عمیق و پخته آنها به انقلاب، از نسل اوّل اگر بیشتر نباشد کمتر نیست.»

جمله‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه سوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نوسمیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش– که به برخی از آنها

در پیش گیرید. سنگ‌بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدّت بیمناک است، ناکام سازید.

۲- معنویت و اخلاق:

معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی، از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت،

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زاید و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است.

و منیع الطّبع با داستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه با بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد. عدالت در صدر هدف‌های اوّلیّه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این کلمه‌ای مقدّس در همه زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواحناضاد) میسرتر نخواهد شد؛ ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه به ویژه حاکمان و قدرتمندان است.

جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های

بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای

کوته‌راه رفت و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه

واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه جدّی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه اینجانب به جوانان عزیزی که آینده کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طسور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدّت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدّت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است؛ ولی برای اجرای شایسته آن چشم امید به شما جوان‌ها است و اگر زمام‌داره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان– که بحمدالله کم نیستند– سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان‌شاءالله.

۵- استقلال و آزادی:

استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و

اندیشیدن برای همه افراد جامعه است و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عقیله‌الهی به انسان‌ها بند و هیچ کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظّف به تأمین این دو هستند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل ساله خود از جمله آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صدها هزار انسان واقع و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره طیّبه انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. همه–مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی–موظف به حراست از آن با همه وجودند. بدبهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

۶- عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن:

این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزّت»، «حکمت» و «مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خان آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. اینها بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدّی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه مال و مقام و ریاست، حتّی در علّوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت

امیرالمؤمنین(ع) کسانی را لغزاند، پس خطر بُروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی. البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و به خصوص با رژیم طاغوت که سر تا پا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگه داشته‌اند، ولی حتّی آنچه هست نیز قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این‌باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر



کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتّی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتّی با برخورداری مادی، جهنّم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق‌چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اوّلاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضدّ معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب جهنمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره پیش رو باید در این‌باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدتّ جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاءالله.

۳- اقتصاد:

اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوّت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتّی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است.



سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی سیدمحمدکاظم یزدی-۱

زندگی و زمانه سیاسی

□فتح‌الله پریان/ مکرر در این ستون متذکر شده‌ایم که اندیشه سیاسی فقیهان و علمای شیعه بخشی از اندیشه سیاسی اسلام است که به فهم عالمان و اندیشمندان مسلمان مربوط بوده و مورد توجه عالمان است. به طور مسلم آشنایی با برداشت‌های فقه‌ای بزرگ از مبانی اسلام به منزله بخشی از اندیشه سیاسی راهکار مطلوبی برای عمل سیاسی حال و آینده به شمار می‌آید که می‌تواند راهکارهایی برای برداشت‌های نوین از این منابع ایجاد کند و تجارت گرافندری را فرآوری اندیشمندان و مسئولان قرار دهد.

از این شماره طی سلسله مقالاتی با اندیشه سیاسی سیدکاظم طباطبایی‌یزدی آشنا خواهیم شد. وی از جمله فقه‌ای مشهور شیعه در عصر مشروطه است که نظرات فقهی‌اش مورد توجه و عنایت فقها و مراجع پس از او قرار گرفته است. بررسی رفتار سیاسی منبعث از مبانی فقهی و فکری سیدکاظم یزدی در جریان مشروطه که عدم تأیید مشروطه را در پی داشته، واجد نکات نغز و متفاوتی در اندیشه سیاسی وی با رویکرد فقهی است. در وهله اول لازم است با زندگی‌نامه و زمانه وی بیشتر آشنا شویم.

سیدمحمدکاظم طباطبایی‌یزدی فرزند سیدعبدالعظیم در سال ۱۲۴۷ قمری در روستای کسنویه از توابع یزد در خانواده‌ای مذهبی و کشاورز دیده به جهان گشود. پس از گذشت دوران طفولیت برای تحصیل در علوم اسلامی به حوزه علمیه شهر یزد پا نهاد و پس از چندی با طی دروس مقدماتی، به قصد فراگیری دروس پایه رهسپار شهرهای مشهد و سپس اصفهان شد. در اصفهان دروس سطوح عالی فقه و اصول را نزد شیخ محمدباقر نجفی و سیدمحمدباقر خوانساری-از مراجع بزرگ آن عصر-فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیل در سال ۱۲۸۱ از راهی نجف شد. در نجف در محضر حضرات آیات میرزای شیرازی بزرگ و شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء بهره برد و با هجرت استادش به سامرا، وی کرسی تدریس درس خارج را برعهده گرفت.^۱

سیدند شخصیتی متواضع، منبع‌الطبع و متقی داشت که همین خصایص در کنار قدرت بیان شیوا و شیوه خوب تدریس که همراه با ذکر فروعات و جزئیات مسائل و پاسخ به مسائل مستحدثه بود، سیل طلاب و شاگردان مستعد را به پای دروس سید سرازیر می‌کرد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت فقه‌ای پس از وی غالباً از خرمن علوم وی بهره برده‌اند. فقیهان بزرگی، همچون حاج‌شیخ عبدالکریم حائری‌یزدی(مؤسس حوزه علمیه قم)، حاج‌آقا حسین نجفی، حسین بروجردی، شیخ‌محمدحسین آل کاشف‌الغطاء، شهید سیدمحمد مدرس، سیدصدرالدین صدر، سیدمحمد حجت، سیدعبدالحسین شرف‌الدین، میرزااحمد آشتیانی و ده‌ها فقیه برجسته دیگر که هر یک خود ستارگانی در سپر علم و فقاقت بودند، از شاگردان سیدیزدی به شمار می‌روند.^۲

برای شناخت کامل شخصیت‌های علمی، افزون بر آشنایی با زمینه‌های تربیتی و خانواده‌گی آنها، شناخت زمینه‌ها و اوضاع سیاسی و اجتماعی محیط پرورش آنها نیز لازم و ضروری است؛ زیرا اساساً اندیشه‌ها برای پاسخ به مشکلات و وضعیت بحرانی و دشوار سیاسی و اجتماعی است که مجال بروز و ظهور پیدا می‌کنند. در این راستا، زمانه حیات سیاسی سیدیزدی آمیخته با استعمار خارجی و استبداد داخلی است. استعمار از قدیم‌الایام به دنبال نفوذ سیاسی، اقتصادی و حتی فیزیکی در کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای خاورمیانه بوده است. در این راستا، گاه علل و عوامل اقتصادی سبب حضور یا نقش‌آفرینی آنان در این کشورها می‌شده و گاه عامل سیاسی و برخی اوقات نیز ترکیبی از این دو و دیگر علل زمینه‌های حضور اشغالگرانه استعمارگران را فراهم کرده است. مهم‌ترین علت حضور استعمارگران اقتصادی و سیاسی بوده است. استعمارگران پس از انقلاب صنعتی از دو منظر به کشورهای خاورمیانه نیازمند بودند؛ از یک سو به ثروت‌ها و منابع سرشار کشورهای غرب آسیا چشم طمع داشتند تا مواد اولیه کارخانجات صنعتی خود را ازران تهیه کنند و از سوی دیگر، تولید انبوه صنعتی غرب به بازار فروش نیاز داشت که به طور مسلم کشورهای غیر صنعتی آسیا بهترین بازار برای آنان به شمار می‌آیند. بدیهی است، این روند به استعمار و پایداری نیاز داشت و همین امر موجبات استعمار و حضور آنها را به ظاهر برای آبادنی و عمران، ولی در اصل و حقا برای تضمین تدوام این چرخه در کشورهای غرب آسیا، از جمله ایران فراهم می‌کرد. سیدکاظم یزدی این مسئله را چنین تحلیل کرده است: «در این زمانی که دول خارجه به انواع جیل رسته کسب و صنایع و تجارت را از دست مسلمین ربوده و شغل اهل اسلام به تدریج منحصر به دلالی و بیع و شِراء اجناس خارجه شده یا آنکه اکثر مواد اجناس را به ثمن بخش از بلاد مسلمین جلب کنند و به الوان متعدد و اشکال مختلفه به اعلی القیم در بازار مسلمین متقال منتقال فروش رود، مناسب است مسلمین از خواب غفلت بیدار شوند و به تدریج رفع احتیاجات خود را از خارجه بنمایند.»^۳

۱- علی‌اکبر علیخانی و همکاران، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، ج ۹، ص ۱۲۲.
۲- برای مطالعه بیشتر در زندگی سیدمیدیزدی رک: محمدعلی مدرس تبریزی، رجحانه‌الادب، تهران: نشر خیام، ج ۳، ۱۳۶۹، ص ۶۶ و ۱۳۹۱.
۳- علی‌ابوالحسنی (منشر)، زندگی‌نامه آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبایی‌یزدی، فرمانداری یزد، ۱۴۱۷، ص ۲۱.

کنابخوان

گلستان انقلاب

به برکت چهل سالگی انقلاب کتاب‌های زیادی ائسمال به ویژه در نیمه دوم سال با موضوع بررسی آثار و نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی به زیور طبع آراسته شد که بیش از چهل مورد آنها از اول سال تا کنون در این ستون معرفی شده است. در همین راستا، در این شماره کتاب «گلستان انقلاب» را که مؤسسهٔ فرهنگ‌ی- هنری قدر ولایت به بازار عرضه کرده، معرفی می‌کنیم.

این کتاب حاصل بررسی‌ها و نقطه نظرات مستند و آمارهای وزقی کارشناسان و متخصصان حوزه‌های گوناگون است که در برنامهٔ «شنبنیه‌های انقلاب» در طول ۴۱ هفته از اردیبهشت تا بهمن سال جاری ارائه شده است. این کتاب در سه فصل با عناوین و زیر مجموعه‌های ذیل تدوین شده است:

فصل اول: دستاوردهای انقلاب اسلامی؛ در این فصل دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه‌های آزادی و حقوق بشر، استقلال و اقتدار بین‌المللی، حاکمیت ولایت فقیه، مشارکت عمومی، تعالی انسان، عدالت، استکبارستیزی، وحدت مذاهب، ادیان و مذاهب، بسیج و جوانان، قانون‌گذاری و امنیت ارائه شده است.

فصل دوم: چهل سال توطئه و چهل سال مقاومت؛ در ایسن فصل، اهم توطئه‌های دشمنان در محورهای گوناگون بررسی شده است. توطئهٔ تجزیه‌طلبان، توطئهٔ تفرقه‌افکن مذهبی، توطئه‌های نظامی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی، بین‌المللی، توطئه در حوزه‌های علم و فناوری، اندیشهٔ اسلامی و ایدهٔ حکومت در نظام اسلامی از جملهٔ این توطئه‌ها است.

فصل سوم: پیشرفت‌های ایران در سایهٔ انقلاب و نظام اسلامی؛ در این فصل بخشی از پیشرفت‌های ایران در چند حوزه بررسی شده است: قرآن، روحانیت و حوزه‌های علمیه، تعلیم و تربیت، آموزش عالی، علم و فناوری وخبگان، مساجد و نماز، شاعران اسلامی و انقلابی، زنان و خانواده، شعر و ادبیات، کتاب و نشر، تئاتر و نمایش، هنرهای تجسمی، سرود و موسیقی، فیلم و سینما، صداوسیما، مطبوعات و آموزش‌های راه‌راه و سطح زندگی، ورزش، گردشگری و زیارت، اقتصاد، زیرساخت‌های عمرانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، کشاورزی و منابع طبیعی، صنعت، سلامت و بهداشت، اقتدار دفاعی، روستاها و عشایر. در بخشی از مقدمهٔ این کتاب انگیزهٔ این بررسیها در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی چنین مطرح شده است: «به فضل پروردگار هم دستاوردهای انقلاب اسلامی و هم پیشرفت‌های ملت ایران در برتو این انقلاب بسیار درخشان و خیره‌کننده است؛ اما این درخشش زمانی بیشتر می‌کند که بدانیم این پیروزی‌ها تحت چه شرایط سختی حاصل شده است.»



آفاق

□دکتر عباسعلی عظیمی‌شوشرتی/ مطابق با مطالبی که در شماره گذشته درباره نقش مردم در تشکیل حکومت اسلامی بیان شد، اگر مردم نخواهند، فقیهه وظیفه‌ای برای اعمال حکومت پیدا نمی‌کند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا فقیه باید برای تشکیل حکومت اسلامی قیام کند و حرکت انقلابی صورت دهد؟ حتی اگر در این راه انسان‌هایی نیز جان خود را از دست بدهند، یا وظیفه‌ای در این جهت ندارد؟

لزوم قیام علما برای آگاهی مردم و تشکیل حکومت
حضرت امام(ره) در مقدمه کتاب ولایت فقیه می‌فرمایند: «مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمهٔ اعتقاد به ولایت است... توجه داشته باشید که شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تأسیس کنید. شرع و عقل حکم می‌کند که نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضد اسلامی یا غیر اسلامی، ادامه پیدا کند.»^۱ و در نهایت نیز می‌فرمایند: «لازم است که فقها اجتماعاً با انفراداً برای اجرای حدود و حفظ نفور و نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند. این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد، واجب عینی است؛ و گر نه واجب کفایی است.»^۲

بنابراین قیام برای تشکیل حکومت و ترغیب مردم و هدایت آنها و سرنگونی حکومت‌های جور واجب است. نتیجه این می‌شود که اگر فقیه مورد اقبال و حمایت مردمی قرار گرفت، به گونه‌ای که بتواند حکومت تشکیل دهد، تأسیس حکومت اسلامی و اعمال ولایت بر او واجب است و اگر نتواند، قیام برای تشکیل حکومت و هدایت مردم بر او واجب می‌شود. اما نباید از آنچه گفته شد این‌گونه استنباط کرد که فقیه خود را بر مردم تحمیل کند؛ زیرا در هر حال مردم مختار هستند و تکوینا می‌توانند احکام خدا را نپذیرند. استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می‌فرماید: «اگر امام به حق را در روی جهالت و عدم تشخیص

دکتر حسین کجویان می‌گوید: اهدافی از آن‌گونه که بسنج بیست‌ودوم بهمن ماه بر پایه آن انجام می‌گیرد، از معقولاتی نیست که بخت و اقبالی برای درگیر کردن مردم یا علاقه‌مندی آنها به خود داشته باشد. در واقع دقیقاً از جهت قابلیتی که بیست‌ودوم بهمن در بسنج مردم بر پایه چنین اهداف به اصطلاح کلان و انتزاعی و دور از دسترس یا بدون ربط به زندگی روزمره مردم نشان می‌دهد این حادثه همیشه از دید ناظران خارجی باورنکردنی و عجیب به نظر رسیده است.

ماهیت‌شناسی و نحوه استمرار انقلاب اسلامی-۳۶

لزوم قیام علما و مردم برای تشکیل حکومت اسلامی



نمی‌خواهند، او به زور نباید و نمی‌تواند خود را به امر خدا تحمیل کند. لزوم بیعت هم برای این است.»^۳ پیامبر اکرم(ص) حکومتش را با استفاده از هیچ نیروی قاهره‌ای بر مردم تحمیل نکرد؛ بلکه عامل اصلی خود مردم بودند که ایمان آوردند و با رضا و رغبت، حکومت آن حضرت را که از طرف خداوند تشریح شده بود، پذیرفتند. در عصر غیبت نیز فقیه باید «لازم است که فقها اجتماعاً با انفراداً برای اجرای حدود و حفظ نفور و تلاش کند و زمانی که امکان تحقق حکومت اسلامی برای او فراهم شد، به برقراری آن اقدام کند. امام(ره) مبتنی بر همین روش، اول انقلاب اسلامی ایجاد کردند و در نهایت جمهوری اسلامی را به همه‌پرسی گذاشتند.

نقش مردم در حفظ و استمرار حکومت
پس از آنکه مردم وظیفه خود را در تشکیل حکومت اسلامی ایفا کردند، وظیفه دیگری نیز دارند که همان ادامه و استمرار آن است؛ زیرا بدون این حضور و حمایت مردم امکان ادامه حیات حکومت و نظام سیاسی اسلام که به هیچ قدرتی جز خداوند متعال و مردم خود وابسته نیست، وجود ندارد. در حقیقت، مردم هم علت وجود نظام سیاسی و هم علت مقیّه و دوام آن هستند.

حضور و حمایت مردم خود را در گذشته با تشکیل حکومت اسلامی ایفا کردند، وظیفه دیگری نیز دارند که همان ادامه و استمرار آن است؛ زیرا بدون این حضور و حمایت مردم امکان ادامه حیات حکومت و نظام سیاسی اسلام که به هیچ قدرتی جز خداوند متعال و مردم خود وابسته نیست، وجود ندارد. در حقیقت، مردم هم علت وجود نظام سیاسی و هم علت مقیّه و دوام آن هستند. حضور و حمایت مردم خود را در

می‌باشد؛ گرچه محسوس نباشد. لذا «هستی»، اعم از غیب و شهادت است.»^۴
۳-انسان‌شناسی: انسان از دیدگاه حضرت امام(ره)، «مخلوق خدا و عصارهٔ همهٔ خلقت است.»^۵ایشان همچنین انسان را موجودی مختار و در عین حال تحت تأثیر موجودات این عالم می‌دانند: «چون آدمی از ابتدای خلقتش و بلکه پیش از خلقتش، نسبت به اختلاف مواد قبل از تولدش تا زمانی که از این نشئت طبیعت منتقل به عالم آخرت می‌شود، در «دار هیولاء» واقع است، لامحاله تحت تأثیر موجودات این عالم قرار می‌گیرد؛ لکن همهٔ اینها او را در هیچ کاری از کارهای اختیاری‌اش مجبور و مضطر نمی‌کند.»^۶ همچنین ایشان بر محدودیت ناشستن انسان، چه در کمال و چه در زوال معتقدند و می‌نویسند: «انسان، محدود نیست... در طرف کمال، به آنجا می‌رسد که یدالله می‌شود؛ عین‌الله می‌شود... غیرمحدود است و در طرف نقص هم، در طرف شقاوت هم، غیرمحدود است.»^۷از دیدگاه امام(ره)، انسان موجودی تربیت‌پذیر است: «بچه وقتی متولد شد، دیکتاتور نیست...؛ لکن با تربیت‌های اعوجاجی در همان محیط کوچکی که خودش دارد، کم‌کم دیکتاتوری در او ظهور می‌کند. اگر تربیت صحیح باشد برای ایسن بچه، آن دیکتاتوری‌اش رو به صف می‌رود و اگر تربیت فاسد باشد، آن دیکتاتوری که کم بود، رشد می‌کند.»^۸ امام(ره) از اصل تربیت‌پذیری، به فلسفهٔ وجودی انبیا و هدف انبیا می‌رسند و می‌نویسند: «خداوند تعالی با وحی به انبییای بزرگ، می‌خواسته‌اند که مردم راه همهٔ بشر را هدایت کنند و آدم بسازند.»^۹ ایشان در همین راستا، تربیت انسان را هدف اصلی انبیا می‌دانند: «اگر موجود نمی‌دانند. قهراً جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یک‌سره افسانه می‌دانند، در حالی که معیار شناخت در جهان‌بینی الهی، اعم از حس و عقل می‌باشد و چیزی که معقول باشد، داخل در قلمرو علم

رئیش‌ها

فرزاد فرود سیدمهدی هاشمی-۲

سلسله‌جنیان زنجیرهٔ ترورها

□شهاب زمانی/ مطالعه انبوه منابع غیر اسلامی و غیر شیعی به تدریج سیدمهدی هاشمی را در برداشت‌های التقاطی و غیر اصولی گرفتار کرد. او پس از مدتی به خدمت سربازی رفت و طی آن یک بار به عنوان نمایندهٔ سربازان در جشن سردوشی، در سخنانی از شاه هاشمی در فروردین ماه سال ۱۳۵۵ به جرم قتل آیت‌الله ششمین آبادی بازداشت و محکوم شد. وی تا روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در زندان بود. اما با باز شدن در زندان‌ها، با لباس محلی به قهدریجان رفت و از آنجا به تهران آمد. مهدی هاشمی، در جریان انتخابات اولین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، جزء هسته اصلی انتخاب بنی‌صدر به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری بود و در جلسه‌ای در قم به همراه برادرش، هادی هاشمی (داماد آیت‌الله منتظری)، سیدحسین خمینی، عبدالله نوری، شرعیتی‌اردستانی، شهید محمد منتظری و شخص بنی‌صدر قرار شد بنی‌صدر را به عنوان نامزد معرفی کنند.^۱

هاشمی در حالی در حلقه انتخاب بنی‌صدر بود که اسناد و مدارک فراوانی برای دست داشتن وی در قتل مرحوم ششمین آبادی وجود داشت. حجت‌الاسلام سالد درباره قتل مرحوم ششمین آبادی و سلسله قتل‌های دیگر می‌گوید: «اولین قتلی که سرورصدا کرد، قتل مرحوم ششمین آبادی بود. آیت‌الله اصفهان بود... ایشان را بردند در مسیر جاده اصفهان-نجف‌آباد، سپس ایشان را به شهادت رساندند. جنازه را داخل جوی آب انداختند و فرار کردند. بعد از مرحوم شیخ ششمین آبادی، شیخ قنبر و حشمت و همین‌طور پشت سر هم ترورها شروع شد. مثلاً حشمت و پسرانش را به جرم سرمایه‌داری به شهادت رساند. شیخ قنبر را به عنوان اینکه مانع راه است، نهایتاً ساواک فعال شد، چون شهر را به هم ریخته بودند. در تحقیقات رسیدند به مهدی هاشمی و او را دستگیر کردند.»^۲

به رغم اتهام‌هایی این چنین سنگین سیدمهدی هاشمی به مدد نفوذی که از طریق بیت منتظری کسب کرده، احکام مسئولیتی متوجهی می‌گیرد. در اواخر سال ۱۳۶۰ سیدحسین موسوی‌تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی، حکمی سیدمهدی هاشمی را به سمت نماینده دادستان کل انقلاب منصوب کرد و وظایف وی را چنین برشمرد: «به موجب این حکم به سمت نماینده دادستان کل انقلاب اسلامی منصوب می‌شودت با وظایف محوله از که عبارت است از کنترل و شناسایی عناصر مشکوک در رابطه با نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌های منحرف خارجی و اقدامات تعقیبی، انجام‌دهیدا و نسبت به جمع‌آوری دلایل جرم و در صورت بازداشت متهم طبق موازین شرعی اقدام‌کنند»^۳ و در هر مورد پروندهٔ اسلامی مرکز ارسال و اعزام دارد.^۴ به دنبال به شهادت رسیدن شهدای محراب، در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۱۶، محسن رضایی طی حکمی سیدمهدی هاشمی را مسئول برطرف کردن نارسیاهی‌های حفاظتی و تدوین وظایف مربوطه قرار می‌دهد و از کلیه فرماندهان رده‌های مختلف تشکیلاتی سپاه می‌خواهد که در این مسئله با سیدمهدی هاشمی کامل همکاری را نمایند.^۵

در ماجرای مک فارلین- طرح جمهوری اسلامی به بهانه تسلیح ایران در جنگ- نیز برای اولین بار هاشمی در روزنامه لبنانی الشراع آن را فاش کرد. هاشمی از طریق برادرش هادی به اسناد دست‌یافته بود که البته آیت‌الله منتظری به نقش وی در ماجرای افضای مک‌فارلین اعتراف کرد است.^۶

*** بی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**
۱- امام خمینی از ولادت تا رحلت»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸، ص ۲۴.
۲- سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفهٔ امام، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۸۷.
۳- سیدروح‌الله موسوی خمینی، طلب و اراده، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸، ص ۷۴.
۴- سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفهٔ امام، همان، ص ۲۲۲.
۵- همان، ج ۳، ص ۲۱۸.
۶- سیدروح‌الله موسوی خمینی، طلب و اراده، ص ۱۴۸.
۷- سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفهٔ امام، همان، ص ۱۲۷۸.
۸- همان، ج ۵، ص ۲۶۸.
۹- همان، ج ۷، ص ۲۸۸.
۱۰- همان، ج ۸، ص ۳۲۴.
۱۱- همان، ج ۳، ص ۲۱۸.
۱۲- همان، ج ۴، ص ۱۷۵.
۱۳- سیدروح‌الله موسوی خمینی، مصباح‌الهدایة الی الخلافة و الولایة، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۸۸-۸۹.

دکتر حسین کجویان می‌گوید: اهدافی از آن‌گونه که بسنج بیست‌ودوم بهمن ماه بر پایه آن انجام می‌گیرد، از معقولاتی نیست که بخت و اقبالی برای درگیر کردن مردم یا علاقه‌مندی آنها به خود داشته باشد. در واقع دقیقاً از جهت قابلیتی که بیست‌ودوم بهمن در بسنج مردم بر پایه چنین اهداف به اصطلاح کلان و انتزاعی و دور از دسترس یا بدون ربط به زندگی روزمره مردم نشان می‌دهد این حادثه همیشه از دید ناظران خارجی باورنکردنی و عجیب به نظر رسیده است.

^[1] هاشمی در فروردین ماه سال ۱۳۵۵ به جرم قتل آیت‌الله ششمین آبادی بازداشت و محکوم شد

^[2] هاشمی در فروردین ماه سال ۱۳۵۵ به جرم قتل آیت‌الله ششمین آبادی بازداشت و محکوم شد

^[3] هاشمی در فروردین ماه سال ۱۳۵۵ به جرم قتل آیت‌الله ششمین آبادی بازداشت و محکوم شد

^[4] هاشمی در فروردین ماه سال ۱۳۵۵ به جرم قتل آیت‌الله ششمین آبادی بازداشت و محکوم شد



آیین‌ه خواص

هرم بن حیان—**ا زاهد مجاهد**

«هرم» یکی از زاهدان هشت‌گانه است که در جهان اسلام از شهرت خاصی برخوردار بودند و برخی از آنان یاران و اصحاب امیرالمؤمنین(ع) هستند. از فضل‌بن‌شاذان درباره زهاد ثمانیه سؤال شد، وی گفت: «چهار نفر از آنها، یعنی «ربیع‌بن‌خثیم، هرم بن حیان، اویس قرنی و عامر‌بن عبد قیس» از زهاد و اتقیای اصحاب امیرالمؤمنین علی(ع) بودند.

نام کامل او هرم‌بن حیان عبدی‌ازدی از طایفه عبدالقیس است. طایفه و قبیله عبدالقیس یا عبدقیس از قبایل قدیم عرب در تهامه در عربستان شرقی است که شاخه‌ای از قبیله «ربیع» به شمار می‌آید. همراه با فتوحات مسلمانان، عبدالقیس مهاجرت تازه‌ای به کوفه کردند و در زمان عمربن خطاب، محله‌ای را به خود اختصاص دادند و مسجدی بنا کردند و با قبیله «بنی جمر» که از تبار ایرانی بودند، هم‌پیمان شدند. بنی‌عبدالقیس، از قبایل شیعه بودند و با امیرالمومنین علی(ع) بیعت کرده و در جنگ جمل شرکت کردند و بسیار شجاعانه جنگیدند. در جنگ صفین نیز حضرت علی(ع) را همراهی کردند. درباره تاریخ تولد هرم چیزی در منابع ذکر نشده است. برخی علت این نام‌گذاری را چنین گفته‌اند که مادرش چهار سال او را حامله بوده و به همین دلیل «هرم» نامیده شد. هرم در لغت، یعنی سالخورده و پیر. به یقین این مطلب افسانه‌ای بیش نیست. وی جزء کسانی به شمار می‌رود که افتخار مصاحبت پیامبر(ص) را نداشته است؛ اما از صفار صحابه به حساب می‌آید. او اهل بصره بوده و در این شهر زندگی می‌کرده است.

هرم جزء راویان نیز به شمار می‌رود و تعدادی روایت به ویژه درباره زهد رسول‌الله(ص) نقل کرده است. البته در کتاب «الاعلام» وی جزء تابعین معرفی شده است. وی در فتوحات که طایفه بنی عبدقیس در آن حضور داشت، امیر لشکر بود. هرم از عمر بن خطاب روایت نقل کرده و اشخاصی، همچون حسن بصری نیز از وی روایت نقل کرده‌اند.

هرم فردی باسواد بود، به حدی که برخی کتب در وصف او صفت فقیه را برایش به کار برده‌اند. حسن بصری او را فقیه‌ترین مردمان و اعلم آنان می‌داند. او محدثی مورد اعتماد و اهل فضیلت و پارسا بوده است. از نصایح او چنین است که می‌گفته از روزگاری که جوانان سرکش و پیران آزمند مرگ‌های‌شان فرا می‌رسد، به خدا پناه می‌برم. به هرم می‌گفتند ما را اندرزی بده و سفارشی کن. می‌گفت: شما را به خواندن و توجه کردن به آیات آخر سوره بقره سفارش می‌کنم. برخی او را با صفت «عبد‌العرب» توصیف کرده‌اند که ملازم اویس قرنی بوده است.

وی که از کارگزاران خلیفه دوم نیز به شمار می‌رود، فردی با تقوی و زاهد بود. از او نقل شده است، می‌گفته گمان ندارم کسی که خواهان بهشت است، بتواند بخوابد و گمان نمی‌کنم کسی که از دوزخ گریزان است، بتواند بخوابد. گوید موسی‌بن‌اسماعیل، از حامدین سلمه، از ابوعمران جونی ما را خبر داد که می‌گفته هرم‌بن حیان در ششی مهمتایی از فراز بام نگرست. سالار اسپابان را دید که بازی و شوخی می‌کند. او را فرا خواند و گفت: فردا روزه بگیر و این کار را سه شب با او تکرار کرد، سپس گفت: اکنون برو و بازی کن.

وقتی وی از طرف عمر والی شد، خویشان وی برای تبریک نزد او رفتند و چون وی انسانی پرهیزگار بود و می‌دانست خویشانش به مقام وی ندندان طمع تیز کرده‌اند، آتشی میان خود و آنان برافروخت و به آنان گفت شما می‌خواهید مران در آتشی که از آن بزرگ‌تر است، یعنی آتش دوزخ در افکنید و آنان برگشتند.

یار مهربان

«مقدمه‌ای بر اقتصاد خانواده»



باید توجه داشت که یکی از زمینه‌های اصلی بحث و تحقیق در علوم اجتماعی که به حریم تحلیل‌های اقتصادی وارد شده، نهاد خانواده است. خانواده از کهن‌ترین نهادهای بشری به‌شمار می‌رود و بستری است که بسیاری از رفتارها و تصمیم‌سازی‌های انسان در آن یا در ارتباط با آن شکل می‌گیرد؛ از این رو خانواده مستعد آن است که بتوان با توسل به نظریه اقتصادی، تحولات آن را مطالعه کرد. بر اساس این، مجموعه تلاش‌هایی که اقتصاددانان در این راستا انجام داده‌اند، با عنوان «اقتصاد خانواده» شناخته شده است. موضوع اقتصاد خانواده به طور عمده به مراحل گوناگون چرخه زندگی خانوار معطوف است که بر اساس آن تصمیم‌سازی بر سر تشکیل، تکمیل و انحلال خانواده از منظر اقتصادی تحلیل می‌شود. وحید مهربانی، مترجم و مؤلف کتاب بر این نکته تأکید دارد که کتاب تنها مقدمه‌ای بر اقتصاد خانواده بوده و صرفاً به منظور آشنایی مقدماتی با این حوزه تهیه شده است. بخشی از کتاب جنبه تألیفی داشته و بخش دیگر آن ترجمه‌ای است از مطالعه‌ای که «نوربرت نورث» و «استرید هایدر» در مؤسسه مطالعات خانواده اتریش انجام داده‌اند. کتاب «مقدمه‌ای بر اقتصاد خانواده: مروری بر پیشرفت نظری و مطالعات تجربی» سه فصل کلی دارد. در فصل اول، مباحث کلی مربوط به اقتصاد خانواده مطرح می‌شود؛ از این رو نویسنده موضوع اقتصاد خانواده و رویکردهای موجود در اقتصاد خانواده را در این فصل معرفی می‌کند. در فصل دوم کتاب، سیر تحولات نظری اقتصاد خانواده به صورت کاملاً اجمالی ارائه می‌شود. در این راستا، نویسنده رویکردهای اقتصاد خانواده را که پیشتر در فصل اول این کتاب معرفی شده‌اند، بررسی می‌کند. در انتها نویسنده در فصل سوم مهم‌ترین مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه را تحت عنوان «کتاب‌شناسی پیشرفت‌های اقتصاد خانواده» بیان می‌کند. در این فصل تلاش شده است مهم‌ترین مطالعات صورت‌گرفته، به صورت خلاصه ارائه شود. کتاب «مقدمه‌ای بر اقتصاد خانواده: مروری بر پیشرفت نظری و مطالعات تجربی» به قلم نورث نورث و استرید هایدر و ترجمه و تألیف وحید مهربانی است که نشر گل‌آذین در سال ۱۳۹۲ آن را منتشر کرده است.

دریچه

من هم مدافع حرمم



من مدافع حرم. من یک بانوی مدافع حرم هستم.بله درست شنیدید. تمام دختران چادری و عفیف، مدافع حرم هستند. مدافع حرم حجاب‌شان، حرم عفت‌شان، حرم زیبایی‌شان و تمام این دفاع‌ها ختم می‌شود به دفاع از حرم. من زینب‌وار از چادر و حجابم دفاع می‌کنم و مردان سرزمین عباس‌وار از حرم دفاع می‌کنند. سرزمین من از سیل غیرت مردان‌مان سرشار است. و این غیرت آنهاست که مرا ممصم می‌کند در دفاع از حجابم. من و تمام بانوان عقیقه سرزمینم افتخار می‌کنیم که عباس‌هایی هستند که برای حفظ تاروپود چادرمان پرر می‌شوند.من به این عباس‌گونه بودن افتخار می‌کنم و تبریک می‌گویم به تمام بانوان عفیف و پاکدامنی که این عباس‌ها را پرورش دادند. اری! دختران دوزخ و مادران امروز آنهایی که برای قدم‌قدم و لحظه‌لحظه آرامش من و تو فرزند داده‌اند. ما به رسم عمام‌ها زینب(س) پایبندیم. ما از چادرمان و حرم حجاب‌مان دفاع می‌کنیم تا عباس‌های‌مان بی‌دغدغه عفت خواهران‌شان، از حرم دفاع کند. ما در رفه‌ها تمام عباس‌ها می‌دهیم. ولی حتی یک تاروپود چادرمان را نخواهیم داد…

ملاک تغییر نعمت
تغییر اعمال است

شهدید آیت‌الله قدوسی می‌گوید: خداوند متعال به صراحت سنت و رویه خود را در معامله با بندگان بیان فرموده که ملاک تغییر نعمت تغییر خود مردم و افکار و اعمال آنهاست و از همین جا مناط آن روایت معلوم می‌شود که می‌فرماید: هرگاه شما چنین و چنان کردید خدا الشرا را بر شما مسلط می‌کند و خوبان دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود. چرا یک عده دارای نعمتند، با اینکه به ظاهر آدم‌های خوبی نیستند؟ اولاً، ما از باطن افراد اطاعتی نداریم، شاید او یک مفتی دارد که در نظر خداوند خیرگتر از آن مفاسدی است که ما از ظاهرش می‌بینیم. ثانیاً، مجرد داشتن ثروت و سلامت، علامت سعادت نیست.

قرآن کتاب ادب است

گفتاری از آیت‌الله احمد عابدی



این ادب قرآن است. امام(ره) هم می‌دانستند؛ ولی این زشت است که آدم درباره خانواده کسی حرف بزند، درباره زن و بچه کسی حرف بزند؛ هر چند آدم خرابی باشد. امام(ره) هر وقت به شاه چیزی می‌گفت، می‌گفت ظالم آتش می‌آورد.» بنابراین، یک نکته معنی این است که با این مسائل جنسی و فحشای مردم کار نداشته باشیم؛ حتی اگر از کیفیت‌ترین مردم باشد؛ خیلی مواقع این مسائل قبح گناه را می‌ریزند؛ خیلی مواقع اشاعه کتاب، کتابی است که فساد اخلاقی شاه در آن است، یک بار شد امام(ره) از این حرف‌ها بزنند؟ متأسفانه ما اخلاق قرآنی را رعایت نمی‌کنیم؛ هر وقت با کسی دعوا داریم، اول می‌روییم سراغ ناموس طرف یا سراغ لغزش‌های اخلاقی‌اش.

قرآن کتاب ادب است. چقدر ما در تاریخ خواندیم هند جگر‌خوار، همسر اوسیفیان، عالم معاویه چه می‌کنم و به نظر می‌رسد را زیاد به کار ببریم. نشانه آدم جاهل این است که قطعی حرف می‌زند. آدم عالم هم همه‌اش می‌گوید شاید.

امام خمینی(ره) در تلویزیون

شهدید آیت‌الله قدوسی می‌گوید: خداوند متعال به صراحت سنت و رویه خود مردم و افکار و اعمال آنهاست و از همین جا مناط آن روایت معلوم می‌شود که می‌فرماید: هرگاه شما چنین و چنان کردید خدا الشرا را بر شما مسلط می‌کند و خوبان دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود. چرا یک عده دارای نعمتند، با اینکه به ظاهر آدم‌های خوبی نیستند؟ اولاً، ما از باطن افراد اطاعتی نداریم، شاید او یک مفتی دارد که در نظر خداوند خیرگتر از آن مفاسدی است که ما از ظاهرش می‌بینیم. ثانیاً، مجرد داشتن ثروت و سلامت، علامت سعادت نیست.

قرآن کتاب ادب است

گفتاری از آیت‌الله احمد عابدی

می‌گوید، نمی‌گویم آقا سؤال دارم، فوری می‌گویم آقا مطلب‌تان اشکال دارد. خوب این نشانه جهل من است؛ لاقلاً بگو سؤال دارم یا این به ذهن من می‌رسد. از کجا می‌گویی این اشکال دارد و غلط است؛ یعنی شما بهتر از آن آقا فهمیدید؟! ادب قرآن این است که این چیزها را رعایت کنیم، حرف کسی را راحت نگوییم اشتباه است، شاید من اشتباه می‌کنم. در درس‌های خودمان در حوزه، چند درصد می‌شود که استاد به طلبه بگوید حق با شما بود؟ آیا همیشه طلبه‌ها اشتباه می‌گویند و استاد همیشه درست می‌گوید؟ این شاهد این است که ما ادب قرآنی را کم رعایت می‌کنیم. لاقلاً بعضی مواقع حق با این آقایان است. گاهی اوقات کلام این آقا توجیه دارد که با آن توجیه درست می‌شود؛ چطور گاهی من یک کلامی را توجیه می‌کنم که مراد این بود تا اشکالی به من نباشد، خوب شما هم که می‌گویید همین‌طور است، وقتنی یک مطلبی را می‌گویید من باید بگویم شاید مراد شما این است و اشکال به شما وارد نیست. اینکه خیلی راحت ما حرف دیگران را نقد می‌کنیم، نمی‌گوییم واضح نشد، می‌گوییم شما اشتباه گفتید، شاهد این است که ادب قرآنی را رعایت نمی‌کنیم.

ادب قرآن «ثنا او آیتاکم…» است. هیچ وقت نگوییم شما اشتباه می‌کنید، شاید من اشتباه می‌کنم. این آیه درباره مشرکین با پیامبر(ص) است. ادب قرآن این است که پیامبر(ص) می‌فرماید: «ما ادراى ما یفعل بى و لا یکنم». چقدر ادب در این جمله است.

پیغمبر خدا می‌گوید: «هن نمی‌دانم که من به بهشت می‌روم یا به جهنم، شما را هم نمی‌دانم.» آیا ما این‌گونه حرف می‌زنیم یا همیشه می‌گوییم ما به بهشت می‌رویم و آنها نمی‌روند. ان‌شاءالله که خداوند اخلاق همه ما را قرآنی بگرداند.

نگاهی به یک باور نادرست درباره همسرگزینی

ازدواج کنه درست میشه!



پایان این نوع از ازدواج‌ها باشد.

پایان ناخوشایند

ازدواج نیازمند بلوغ فکری و روانی است. فردی آمادگی لازم برای ازدواج را دارد که بتواند با فردی دیگر از خانواده و دارای تربیت و فرهنگ و شخصیتی متفاوت ارتباط برقرار کند

و این ارتباط آنچنان صمیمی و خوب هدایت شود که آنها بتوانند یک عمر در کنار هم زندگی کنند. با چنین پیش‌شرطی بدیهی است افرادی که اختلالات روانی یا شخصیتی دارند، یا به چالش‌هایی چون اعتیاد به مواد مخدر دچارند، با ازدواج به عنوان یک تغییر مهم و حیاتی در زندگی که به جای یک نفر، سرنوشت کودک حاصل از ازدواج‌های این‌چنینی هم خراب خواهد شد. بنابراین با نگاهی بخت شده‌اند که «ازدواج کنند درست می‌شوند!» اما با ازدواج نه تنها چیزی درست نشده، بلکه چالش جدیدی هم به چالش‌های پیشین آنها اضافه می‌شود. در این میان اگر پای بچه‌ای هم به میان بیاید، اوضاع بدتر شده و به جای یک نفر، سرنوشت کودک حاصل از ازدواج‌های این‌چنینی هم خراب خواهد شد. بنابراین با نگاهی واقع‌بینانه باید گفت، ازدواج هیچ بیماری و اختلالی را درمان نمی‌کند و بسیاری از اختلالات باید پیش از آنکه فرد به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک اقدام کند، درمان شوند؛ چرا که در غیر این صورت ممکن است چالش‌های جدی‌تری گریبان زندگی مشترک افراد را بگیرد و سرانجام تلخی همچون طلاق و جدایی نقطه



چیزی گفته است؟ چه کاره بود؟ ولی این ادب قرآن این است که به این چیزها نپردازد و زشت است. اگر یک‌جا درباره زن ابولهب می‌فرماید، سراغ مسائل جنسی و اخلاقی نمی‌رود؛ می‌فرماید: «و امرأته حمالةالطبط»؛ هیزم برای آتش می‌آورد.» بنابراین، یک نکته معنی این است که به مسائل جنسی و فحشای مردم کار نداشته باشیم؛ حتی اگر از کیفیت‌ترین مردم باشد؛ خیلی مواقع این مسائل قبح گناه را می‌ریزند؛ خیلی مواقع اشاعه کتاب، کتابی است که فساد اخلاقی شاه در آن است، یک بار شد امام(ره) از این حرف‌ها بزنند؟ متأسفانه ما اخلاق قرآنی را رعایت نمی‌کنیم؛ هر وقت با کسی دعوا داریم، اول می‌روییم سراغ ناموس طرف یا سراغ لغزش‌های اخلاقی‌اش.

قرآن کتاب ادب است. چقدر ما در تاریخ خواندیم هند جگر‌خوار، همسر اوسیفیان، عالم معاویه چه می‌کنم و به نظر می‌رسد را زیاد به کار ببریم. نشانه آدم جاهل این است که قطعی حرف می‌زند. آدم عالم هم همه‌اش می‌گوید شاید.

امام خمینی(ره) در تلویزیون

شما اغلب اوقات از ظاهر این افراد نمی‌توانید به اختلالات شخصیتی‌شان پی ببرید. حتی متخصصان روانشناس، در جلسه اول درمان، تشخیص صحیحی درباره آنها ندارند. به همین دلیل بیشتر وقت‌ها تنها خانواده این افراد هستند که از مشکلات‌شان خبر دارند؛ چرا که اختلالات شخصیتی در گذشته و حوادث و اتفاقاتی ریشه دارد که پیش روی افراد قرار گرفته و موجب بروز این مشکلات شده‌اند. اختلال شخصیت سبب ایجاد مشکلات روانی، اجتماعی، حقوقی و شغلی می‌شود و احتمال بیشتری وجود دارد که افراد دارای اختلال شخصیت افسرده شوند، یا در فرد جامعه‌ستیز در مقایسه با دیگران بیشتر این اقدام خودکشی وجود دارد که به مصرف مواد مخدر یا الکل اعتیاد پیدا کند، یا به نزاع و درگیری گرایش یابد.

ازدواج مرکز ترک اعتیاد نیست!

اعتیاد هم از منظر روانشناختی نوعی بیماری محسوب می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، اغلب افراد با اختلالات روانی و شخصیتی هستند که به اعتیاد روی می‌آورند. افراد معتاد بیش از هر موضوعی به اعتیادشان وابسته‌اند و همین وابستگی موجب می‌شود که نتوانند با همسرشان رابطه‌ای صمیمانه برقرار کنند. اوضاع روحی و خلق و خوی آنها هم به طور چشمگیری به خماری یا نشستگی آنها بستگی دارد. حتی درباره ازدواج با افرادی که سابقه اعتیاد دارند و اکنون اعتیادشان را ترک کرده‌اند، باید ملاحظاتی را در نظر گرفت.

با این اوصاف، ملاحظه می‌کنید که ازدواج نه فقط به درمان و درست شدن فرزند معتاد یا ناسازگار شما کمک نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند شرایط را بدتر هم بکند. البته، این به آن معنا نیست که فرزند شما نباید ازدواج کند. ازدواج حق طبیعی هر فردی است که می‌تواند به رشد و تعالی انسان کمک کند، اما دستیابی به این تعالی مستلزم پیش‌شرط‌هایی است که باید در نظر گرفت.

سراج

تقویت بنیان‌های اخلاقی

□**سیدحسین خاتمی خوانساری/**

پیامبر گرامی اسلام(ص) دلیل بعثتش را این‌طور تبیین فرمودند که «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَسْكَرَمَ الْأَخْلَاقِ»^۱ و در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِمَكَرَمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَتِي بَتَمَنِّي بِهَا»^۲. این دلیل برای بعثت پیامبر(ص) کافی بود تا همه تلاش و تمرکز خود را بر روی تبلیغ و توسعه اسلام قرار دهد؛ اما روش پیامبر(ص) کار بسر روی بنیان‌های فکری و اخلاقی انسان‌ها بود؛ قوی کردن پایه‌های اخلاقی و رفتاری و سپس به سراغ سازه‌های روبنایی رفتن. به عبارتی، رسول گرامی اسلام اصلاح ریشه رفتارها را در برنامه قرار دادند تا افراد در برخورد با هر مشکلی خودشان بتوانند بهترین واکنش و عمل را داشته باشند. در قرآن نیز خداوند با ملاک‌هایی که در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد، آنها را در برابر آسیب‌ها ایمن می‌کند. برای نمونه، خداوند در سوره یوسف چندین الگو و ملاک در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد؛ توسعه اخلاقی و تقویت زیربنای اعتقادی یا ملاک‌هایی نظیر اینکه هنگام گرفتاری در گناه به نسبت خدا حرکت کن، توکل به خدا کن، اسرارت را حفظ کن، حسود و دشمن را تحریک نکن، عزت و ذلت را خدا می‌دهد و …

خداوند در داستان حضرت یوسف و دیگر سوره‌های قرآن هزاران نکته اصیل و زیربنایی را مطرح کرده و نمونه‌های متفاوتی از زندگی‌های الهی و غیر الهی را شرح داده تا با الگو گرفتن یا عبرت گرفتن از آنها هر انسانی زندگی خود را در جهت صحیح قرار دهد.

کسانی که می‌خواهند دین را در جهان توسعه دهند، برای تغییر برخی رفتارهای ناهنجار موجود در جهان و برای تقویت اخلاقی و استحکام عقاید در برابر شبهات باید با الگوگیری از قرآن و روایات، زیربنای اعتقادی و اخلاقی انسان‌ها را تقویت کنند و وقتی این مهم اتفاق بیفتد، هر کسی می‌تواند خودش راه صحیح را در مصادیق گوناگون تشخیص دهد و گرفتار شک و شبهه و سستی نشود.

۱-سنن‌البیہقی، حدیث ۱۹۰۹۶.
۲-مسائل‌الشیعہ، ج۱۲، ص ۱۷۴.

راه نرفته

عفاف زیر بنای حجاب

□**دکتر مجید ابهری/**

پرسش: آیا حجاب و عفاف مختص زنان است یا مردان نیز باید حسد و مرزهایی از عفاف را رعایت کنند؟ اگر مردان نیز به رعایت عفاف ملزم هستند، معنای عفاف مردان چیست و در تربیت فرزندان پسرمان باید چگونه عفاف مردانه را به آنها آموزش دهیم؟

پاسخ: عفاف و حجاب به خانم‌ها اختصاص ندارد؛ بلکه مردان نیز باید افزون بسر رعایت عفاف و معیارهای آن، ارزش‌های حجاب را در رفتارهای فردی، اجتماعی، خانوادگی و شغلی خود به اجرا درآورند. برای نمونه، پرهیز از آزار‌های کلامی و فیزیکی علیه زنان در معابر یکی از نمادهای عفاف مردانه است که رعایت آن ایجاد و افزایش امنیت اجتماعی را در پی دارد. برای گسترش عفاف مردانه و زنده باید تربیت دینی را جایگزین آموزش دینی بکنیم؛ چرا که در حال حاضر با برکاری فرهنگی بیرونی و کم‌کاری فرهنگی درونی مواجه هستیم. رسانه‌ها از جمله صدا و سیما و دیگر ابزارهای فرهنگی و اجتماعی باید در خدمت اشاعه عفاف و حجاب قرار بگیرند. نقش الگوهای رفتاری و گروه‌های مرجع فرهنگی نیز در این زمینه انکارناپذیر است. درباره خانم‌ها هم باید بدانیم که حجاب بر پایه عفاف استوار است. پاکدامنی، ایمان و اعتقادات دینی، فرهنگی و اجتماعی از عفاف سرچشمه می‌گیرد و به حجاب منجر می‌شود. حجاب باید بر اساس معیارهای عفاف باشد تا هم مؤثر و واقعی قلمداد شود و هم پشتوانه‌ای برای دوام حجاب باشد. عفت زنان در یک جامعه اسلامی زیربنای رفتاری حجاب قرار می‌گیرد و معیاره می‌گردد و وظیفه دینی و اجتماعی به بروز و جلوه عفاف منجر می‌شود. مرزبندی‌ها بین بایدها و نبایدها و خوبی‌ها و زشتی‌ها، رشد می‌یابد و تکامل با معیارهای عفاف و حجاب ارزیابی می‌شود.

گروه «زندگی» صبح

صادق آماده است تا پلی بین شما خوانندگان با مشاوران خبره و امین ایجاد کند. سؤالات خود را از طریق سامانه پیامک ۰۰۰۹۹۰۰۳۳ یا ۳۰۰۰۰۰۰۳۳ ارسال کنید.

«امنیت» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هاست که هم دغدغه اول انسان‌ها و هم حکومت‌ها می‌باشد و هم خرج‌تراش‌ترین آنها. اما گاهی انسان‌ها خودشان را در معرض ناامنی و ترس قرار می‌دهند؛ برای نمونه، در محیط یا مکانی که امنیت ندارد قرار می‌گیرند یا از یک محیط ناامن و خطرآفرین خارج نمی‌شوند. تا آنجا که اگر کسی خود را در مملکه بیاندازد، مورد عتاب و سرزنش قرار می‌گیرد دست کمک دیگران را از خود دور می‌کند. کسی که با پای خود در محیطی ناامن رفته است کمک حالی ندارد، مگر عده‌ای خاص که به دلیل انسان‌دوستی به انتخاب غلط افراد توجه نمی‌کنند و به کمک آنها می‌شتابند.

فضای مجازی که یک فرهنگ و اتفاق تازه در جهان بود و تغییرات زیادی را رقم زد، تجاری سخت را هم به میان انسان‌ها کشاند و طعم لحظات تلخ را نیز به او چشاند. وقتی داده‌ها و اطلاعات کنترل‌ناپذیری به سمت کاربران این فضا هجوم آورد و آنها را به شدت متأثر کرد، فهمیدیم ایجاد محیط امن فقط عزم نظامی و انتظامی نمی‌خواهد و ترس، اضطراب و استرس از فواصل دور می‌تواند به ما دست پیدا کند.

می‌شود عده‌ای وحشت را به صورت ذهنی و روحی برای ما ایجاد کنند، حس ناامنی را به ما انتقال دهند و انسان‌های زیادی را دچار بالاتکلیفی درباره اطمینان از امنیت محیط اطرافشان کنند. اینجا بود که از خود پرسیدیم حدود تهدید کجاست؟

بله، این ناامنی دامنه گسترده‌ای دارد؛ از مرتبط شدن با افراد ناباب و خطرناک تا اطلاع از عمل ایمن افراد. برخی کاربران خود ناامنی را با دست خود به خانه‌های‌شان آوردند و نتوانستند آن را دور یا لاقط مدیریت کنند. در این حالت، همان‌طور که گفته شد سرزنش‌ها وجود دارد که چرا برخی کاربران خودشان را گرفتار ترس و دلهره کردند. البته در این فضا هم گروه‌هایی هستند که کاربران فضای مجازی را از وحشت و ناامنی نجات دهند بدون آنکه سرزنشی کنند.

از جمله مسائل موجود در این فضا که سال‌های اخیر تجربه شده و همه تا حدودی از آن مشاهده کردیم عبارتند از: تزریق افکار

مسموم و انتشار شایعات، جعلیات و اکاذیب امنیتی، القای ناامیدی و یأس از امنیت اطراف‌مان، تحریک به ناهنجاری، قتل و بر هم زدن آرامش و امنیت دیگران، تبلیغ و جذب در گروه‌های انحرافی، تبهکاری و تروریستی، ایجاد ترس و دلهره در کاربران با نمایش اعمال خشونت‌آمیز و تهدید به برهم زدن آرامش و امنیت محل زندگی کاربران و هزاران مسائل که جنبه امنیتی دارد و به طور مستقیم بر روان انسان‌ها اثر می‌گذارد.

بهترین راه برای دوری از این مشکلات یادگیری شیوه حضور در این محیط و یادگیری روش‌های فهم و تحلیل و مقابله با این تهدیدها است. برای تشخیص حق و ناحق، واکنش به موقع، از دست ندادن کنترل خود، حفظ آرامش و از بین بردن آسیب باید هنر حضور در این فضا را داشته باشیم، پس باید برای خوب نگاه کردن و خوب عمل کردن و برای حدس نقشه‌ها و دسیسه‌ها و حمله به اخلالگران آرامش این فضا تلاش کرد و یاد گرفت.

اعتقاد بر این است که فضای مجازی در افزایش امنیت هم مؤثر است، به شرطی که کاربران نحوه حضور را فرا بگیرند و کیفیت دریافت اطلاعات خود را بالا ببرند. لازم است گروه‌هایی برای آموزش چگونگی برخورد با برهم‌زنندگان آرامش و دفع حملات امنیتی به کاربران وارد عمل شوند تا این تهدید به فرصت تبدیل نشود.



شهناز سلطانی / زبان

ابزاری برای برقراری ارتباط با دیگران و وسیله‌ای برای بیان احساسات و تفکر و هیجانات عاطفی است که آن را یکی از مهم‌ترین ابداعات بشر برمی‌شمرند. این وسیله برقراری ارتباط در شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد نقش پررنگی بازی می‌کند. باید گفت، در بین زبان‌ها، زبان مادری از اهمیت متفاوت‌تری برخوردار است. در مهم بودن آن همین یک نکته کفایت می‌کند که «یونسکو» اعلام کرده است: «آن کس که نتواند به زبان مادری خود صحبت کند، بخواند و بنویسد بی‌سواد محسوب می‌شود.»

تلاش برای ثبت زبان مادری

نخستین بار یک راهبه کاتولیک بود که در سخنرانی‌اش اصطلاح «زبان مادری» را به کار برد و از آن برای اشاره به زبان خاصی به جای زبان لاتین استفاده کرد. از آن پس این واژگان در دایره کلمات مورد توجه قرار گرفت. کم و بیش نزدیک به دو دهه است که یونسکو روز دوم اسفند (۲۱ فوریه) را در تقویم جهانی به نام روز زبان مادری ثبت کرده است.

این روز تلنگری است تا کمی درباره زبان مادری و اهمیت آن تأمل کنیم و ببیندشیم. داستان روز زبان مادری از این قرار بود که در سال ۱۹۵۲ تعدادی از دانشجویان دانشگاه‌های داکا (پایتخت بنگلادش) تظاهراتی ترتیب دادند تا زبان بنگالی پس از زبان اردو در کشور پاکستان رسمی شود. (در آن زمان بنگلادش جزئی از پاکستان بود)؛ اما پلیس با خشونت برخورد کرد و تعدادی از دانشجویان کشته شدند. در سال ۱۹۷۱، پس از استقلال بنگلادش این کشور درخواست خود را به سازمان ملل اعلام کرد. در آن در نام روز زبان مادری ثبت کنند که این درخواست اجابت شد و از آن روز ۲۱ فوریه هر ساله اهمیت زبان مادری را به همه جهان گوشزد می‌کند. سازمان ملل هدف خود را از نامگذاری این روز کمک به تنوع زبانی و فرهنگی و جلوگیری از مرگ و نابودی زبان‌ها اعلام کرده است.

زبان مادری چیست؟

در تعریف ایمن زبان دو دیدگاه وجود دارد؛ یک دیدگاهی است که

به بهانه دوم اسفند، روز زبان مادری

زبان مؤلفه اساسی هویت فرهنگی



در آن کودکی از بدو تولد در خانه در معرض زبان قرار می‌گیرد که زبان بومی و اصلی والدینش است و او این زبان را از والدینش فرا می‌گیرد. دیدگاه دوم معتقد است زبان مادری زبان نیاکان اوست، هر چند او و والدینش به آن زبان تکلم نکنند؛ اما آنچه در بین دیدگاه‌ها ظاهراً مهم‌تر است و زیر ذره‌بین زبان‌شناسان قرار گرفته، دیدگاه نخست است.

چرا زبان مادری مهم است؟

صاحب‌نظران در حوزه‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی معتقدند زبان مادری در شکل‌گیری هویت و شخصیت یک کودک تأثیر بسزایی دارد و پیوند او را با گذشته خود برقرار می‌کند. وقتی آدمی با گذشته خود ارتباط برقرار می‌کند و پیوند دارد، در واقع ریشه دارد و به یقین کمتر در معرض بی‌هویتی و پیامدهای منفی و زبان‌بار آن قرار می‌گیرد. کودک به زبان مادری فکر می‌کند و از این روش بهتر می‌تواند تفکر خود را بیان کند.

کودک زبان مادری را در یک فرایند طبیعی و ناخودآگاه فرا می‌گیرد؛ اما زبان دوم را آگاهانه یاد می‌گیرد. این یادگیری و فراگیری دو موضوع جدا از هم است و فراگیری مهم‌تر. ضمن آنکه فراگیری زبان مادری یادگیری زبان‌های دیگری را تسهیل می‌کند. نکته جالب درباره زبان مادری این است که پژوهش‌های علمی نشان

داده در سکنه‌های مغزی به بخش زبان دوم آسیب بیشتری می‌رسد تا زبان مادری.

زبان‌های زنده و در معرض نابودی

در حال حاضر، در سراسر جهان ۶ هزار و ۸۰۰ زبان ثبت شده وجود دارد که سه هزار زبان آن در معرض خطر نابودی است. جالب است که

صاحب‌نظران در حوزه‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی معتقدند زبان مادری در شکل‌گیری هویت و شخصیت یک کودک دارد و پیوند او را با گذشته خود برقرار می‌کند.

فقط ۵ درصد مردم جهان به ۹۵ درصد زبان‌های جهان صحبت می‌کنند. کمی توجه به این امار و ارقام به خوبی نشان می‌دهد تعداد متکلمان بسیاری از زبان‌ها چقدر کم است و چقدر این زبان‌ها تا محو شدن فاصله ناچیزی دارند.

چگونه یک زبان در معرض خطر قرار می‌گیرد؟

معمولاً زبانی که در جرگه

علی الهیار ترکمن، معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش گفت: تمام مطالبات آموزش و پرورش شامل مطالبات نیروهای خدماتی، پیمانی، رسمی و حق‌التدریس که از سال ۹۶ باقی مانده بود را احصا کردیم، ضمن اینکه تخصیص‌ها هم تا حدودی صادر شده است، تا قبل از پایان امسال تلاش می‌کنیم بخش مهمی از مطالبات، یعنی حدود ۹۵ درصد آن را تسویه کنیم.

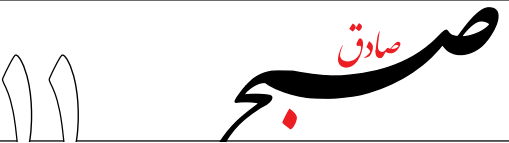
گویش‌وران (گویش‌ور کسی که به آن زبان مادری گویش می‌کند) یک زبان در حال انقراض مهم نیست؛ بلکه میزان انتقال آن به نسل‌های بعدی مهم است. برای نمونه بزرگ‌ترین جمعیت سرخ‌پوست بومی آمریکا قومی است به نام «تاوایو» که ۵۰۰ هزار گویش‌ور دارد، ولی میزان انتقال آن ۱۵ درصد است.»

هر زبانی سرشار از مفاهیم و آگاهی است و گنجینه ارزشمندی به شمار می‌آید که طی هزاران سال جمع‌آوری شده است و از بین رفتن زبان یک قوم به معنای نطفین این گنجینه‌های ذی‌قیمت است. گسترش رو به رشد روند جهانی شدن بسیاری از زبان‌های مادری را به ورطه نابودی کشانده است. زبان غالب زبان مغلوب را کم ارزش تلقی می‌کند و همین سبب می‌شود گویش و زبان مادری و قومی خود را رها کند؛ اما آنجا که تعصب وجود دارد، زبان‌های مادری به خوبی حفظ شده و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. بسیاری از زبان‌های پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها این زبان را تکلم می‌کنند و پدرها و مادرها هم می‌فهمند؛ اما با فرزندان‌شان صحبت نمی‌کنند یا فقط پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و به این زبان صحبت می‌کنند، آن هم نه کامل.

در کشور ما هم نسبت به انقراض یک زبان هشدار داده شده است. «یونسکو» زبان هورامی در کشور ایران را در معرض خطر و انقراض معرفی کرده است. هورامی‌ها در سرزمینی بین ایران و عراق زندگی می‌کنند که کردنشین هستند. در کشور ما هورامی‌ها در استان‌های کرمانشاه و کردستان و در کشور عراق در استان سلیمانیه زندگی می‌کنند. در واقع بیشتر در شهرهای پاوه و میروان ایران و حلبچه عراق سکونت دارند و متأسفانه زبان آنها در خطر نابودی است و باید مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که با ازبین رفتن آن بخشی از فرهنگ ما به فراموشی سپرده می‌شود.

چطور زبان مادری را از خطر نجات دهیم؟

دکتر «دیوید هریسون» استاد زبان‌شناسی در پنسیلوانیای آمریکا است که برای حفظ زبان‌های در حال انقراض پژوهش می‌کند. این استاد دانشگاه معتقد است: «تعداد



لذت زندگی از همین امروز!

صحرا حمیدی / از وقتی گوشه‌های همراه دوربین‌دار شدند، همه ما سعی کردیم از این فرصت خوب و وافر استفاده کنیم. حالا که با گذشت زمان از سال‌های نه چندان دور، گوشه‌های همراه دوربین‌های پیشرفته‌تری دارند، اغلب ما نهایت سعی‌مان را می‌کنیم تا از هر موقعیتی عکس و فیلم بگیریم. این عکس گرفتن‌ها هم به نظر دو هدف را دنبال می‌کنند؛ یکی اینکه خوراکی برای شبکه‌های مجازی باشند که ما در آن عضو هستیم و دیگری ثبت لحظه‌های خوش زندگی است.

درباره اولی باید گفت عکس‌هایی را که در شبکه‌های مجازی در معرض دید دیگران قرار می‌دهید، دست کم نگیرید! برای به دست آوردن این عکس‌ها زمان زیادی صرف شده و البته اوقات خوش زیادی نادیده گرفته می‌شود. تصور کنید در یک روز برفی تصمیم گرفته‌اید بیرون از خانه بروید و از این زیبایی خدادادی استفاده کنید، اما وسوسه عکس و دوربین موبایل شما را رها نمی‌کند و مدام شما را درگیر گرفتن عکس‌های پی‌درپی می‌کند. این دوربین به دست بودن شما را از لذتی که قرار بوده ببرید، محروم می‌کند؛ اصلاً برای چه در یک روز برفی و سرد قصد سفر کرده‌اید و از گرمای خانه چشم پوشیده‌اید! شک نکنید اندازه‌ای که شما وقت صرف ثبت این عکس‌ها کرده‌اید، قابل مقایسه نیست با اندازه‌ای که دیگران از تماشای عکس‌های شما به وجد می‌آیند؛ به و چه چه دیگران بیشتر اوقات واقعی نیست و اسبابی است برای دلخوش کردن ما، اما همین تحسین پوچ گویا متأسفانه انگیزه‌ای است برای تداوم تلاش ما در ثبت مداوم لحظه‌ها. غافلیم از اینکه این لحظه‌ها را خودمان از دست دادیم بی‌آنکه در هوای آن لحظه‌ها نفس بکشیم و لذت ببریم و شادای کنیم. پس خاطر خودمان را ارجح بدانیم و برای خاطرم‌ان خودمان را در اولویت قرار بدهیم، نه نظر و تحسین اغلب بی‌میه دیگران را. درباره دومی هم باید گفت، اگر با خودمان قرار گذاشته‌ایم لحظه‌های خوش زندگی‌مان را برای خودمان ثبت و ضبط کنیم، به درستی خودمان را مهم قلمداد کرده‌ایم. پس اول باید شیرینی لحظه‌هایی را که در آن به سر می‌بریم، بچشیم؛ بعد به فکر ضبط آن باشیم. تصور کنید شما نوزادی دارید که مدام سعی می‌کنید از آن فیلم و عکس بگیرید تا در آینده از تماشای این عکس‌ها و فیلم‌ها کیف کنید؛ اما مهم‌تر از این همین لحظه‌هایی است که تکرار نمی‌شوند. آیا بهتر و عقلانی نیست که از همین لحظه‌ها لذت ببریم و حال خوش نصیب خودمان کنیم و حال را دریابیم؛ شاید تا آینده راه درازی در پیش باشد.

ما اگر روزها و لحظه‌های خوب و خوشی را که در آن به سر می‌بریم، درک نکنیم، تماشای عکس و فیلمی که از این لحظه‌ها ثبت کرده‌ایم، چیزی جز حسرت نخواهد داشت.

به قول شاعر کمی چشم‌های‌مان را بشوئیم و جور دیگری به زندگی بر سرعت امروز نگاه کنیم، تا چشم بر هم بزینم چچه‌های‌مان قد می‌کشند و بزرگ می‌شوند و ما یا به سن می‌گذاریم و پدرها و مادرهای‌مان که گرد پیری بر چهره‌شان نشسته، یکی یکی رخت سفر می‌پوشند و می‌روند؛ پس همین امروز از داشته‌های‌مان لذت ببریم و سرمان را فقط گرم ثبت‌شان نکنیم، شاید فردا ما نباشیم که از این ثبت‌شده‌ها بهره‌ای بگیریم...

۴۰ سال پیروزی ایران و شکست آمریکا

حمیدرضا حیدری / روز ۲۲ بهمن امسال به جز آن حماسه بی‌ظنیری که ملت ایران در ۴۰ سالگی انقلاب‌شان آفریدند، یک حاشیه جالب دیگر داشت. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا؛ کشوری که هیچ‌گاه نتوانسته استقلال ملت‌ها را به رسمیت بشناسد، در صفحه توئیتر خود به زبان فارسی نوشت: «۴۰ سال فساد، ۴۰ سال سرکوب، ۴۰ سال ترور، رژیم ایران فقط موجب چهل سال شکست شده است. مردم ایران که مدت‌هاست در رنجند، شایسته آینده روشن‌تری هستند.»

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در واکنش به این موضع ترامپ در توئیتر خود نوشت: «آقای ترامپ، ساعت خواب؟ پاسخ شما، را حضور جوانان و نوجوانان غیرتمند و بانشاط در جشن چهل سالگی انقلاب داد. فکری به حال خود و اسرائیل کنید. ۷۰ سال قتل و جنایت و کشتار و شکنجه دولت آمریکا و عقب‌نشینی از منطقه نشانی می‌دهد شما به پایان رسیده‌اید.»

هر چند توئیوت ترامپ برخی از خودفروختگان و به اصطلاح براندازان را ذوق‌زده کرد و سعی کردند از ترامپ به زبان فارسی برای حمایت از خودشان دعوت کنند، اما کاربران انقلابی فضای مجازی واکنش‌هایی را نسبت به این توئیوت نشان دادند.

یکی از کاربران نوشت: «بعد از نتانیاها و پمپئو، ترامپ هم نطق فارسی‌اش باز شد. همین که اینا مجبور شدن فارسی یاد بگیرن، خودش یکی از دستاوردهای جمهوری اسلامیه!»

کاربر دیگری هم نوشت: «قدیم ندیما، سناتور آمریکایی گفته بود: اگر ما نبودیم، سعودی‌ها ظرف یک هفته فارسی صحبت می‌کردند؟ حالا ایرانی‌ها با راه‌پیمایی دیروزشون کاری کردن که سران آمریکا فارسی صحبت می‌کنن! اینو چی می‌گین؟» کاربر دیگری در توضیح اینکه چرا ترامپ به فارسی توئیوت کرده، نوشت: «می‌دونن این یعنی چی؟ یعنی ترامپ شکست رو پذیرفته که میاد به زبان فارسی توئیوت می‌زنه. یعنی فارسی‌زبان‌ها کابوس شایه شده‌اند! همان‌طور که اواما عید رو تبریک گفت به فارسی! فقط کاش سیاستمدارهای ایرانی بفهمند که دیگر آمریکا هیچ قدرتی ندارد.»

«چهل سال شکست» کلیدواژه‌ای است که کاخ سفید می‌خواهد آن را جایگزین چهل سالگی انقلاب اسلامی همراه با عزت و اقتدار و پیشرفت کند. اما برخی کاربران سعی می‌کنند چهل سال شکست آمریکا را نمایش دهند: «افول آمریکا ادعای ما نیست، تحلیل خودشان است. خاورمیانه و بترین کاملی از افول آمریکاست. شکست طرح‌های آمریکا در عراق، سوریه، لبنان، یمن، فلسطین، افغانستان و چهل سال شکست سیاست‌های آمریکا برای براندازی نظام جمهوری اسلامی همه از افول قدرت آمریکا در منطقه و دنیا حکایت می‌کند.»

کاربر دیگری نیز در این باره نوشت: «۴۰ سال فساد، ۴۰ سال سرکوب، ۴۰ سال ترور مردم ایران؛ فایده‌ناشت. انقلاب اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی ایران فقط موجب چهل سال شکست رژیم آمریکا و اسرائیل و ایادی‌شان شده‌اند و رژیم آمریکا مدت‌هاست که همه نقشه‌هایش نقش بر آب می‌شود و در رنج است و آینده‌ای رو به افول دارد.»

نظرات به قدری زیاد است که در این نوشته کوتاه مجال پرداختن به همه آنها نیست، اما بسیاری از کاربران اذعان دارند، استبداد و استکبار در حال کشیدن نفس‌های آخر است؛ ازاین‌رو برای آنکه بتواند به جمهوری اسلامی و ملت ایران ضربه بزند، از هر حره‌ای استفاده می‌کند.

در این میان توئیوت رژیم صهیونیستی به فارسی هم با اشاره به حاضر نشدن ورزشکاران ایرانی در مقابل ورزشکاران صهیونیستی این‌گونه واکنش نشان داد و نوشت: «بارها در مسابقات ورزشی، ورزشکاران ایرانی به لایزال سیاسی از رقابت در برابر حریف اسرائیلی خودداری کرده‌اند، یا برای عدم برخورد با نماینده اسرائیل، تن به شکست مصلحتی می‌دهند. این امر علاوه بر بی‌احترامی به حریف، به ضرر خودشان تمام می‌شود.»

این توئیوت نشان می‌دهد که چقدر آنها از اینکه ملت ایران حاضر نیستند با ورزشکاران صهیونیستی رقابت کنند، عصبانی می‌شوند و اینکه ملت ایران و البته نظام اسلامی همواره در مقابل آنها پیروز بوده است.

نگاهی به اصرار اصلاح‌طلبان بر اشتباه خود درباره انتخابات سال ۸۸

قلب معانی!



ایستادن این جریان در برابر رأی مردم را شاید بود. مجید انصاری که خود یک چهره سیاسی و بود سوابق نمایندگی مجلس در ادوار مختلف بوده، از جمله افرادی بود که در جمع خیابانی درد اعتراض به تقلب در انتخابات شرکت کرد، اما کاش این مسئله تنها به آن ایام محدود بود و با پایان انتخابات و پس از آنکه مردم به میدان آمدند و میخ آخر را بر تابوت فتنه ۸۸ زدند، پایان می‌یافت! اما چنین نیست و در تمام نزدیک به یک دهه که از آن فتنه بزرگ می‌گذرد، نگاه این جریان تغییری نکرده و همچنان بر تقابل با رأی مردم که بر خلاف خواست و نظر آنها بود، اصرار دارند و نه تنها به دنبال قهرمان‌سازی از سران

آن فتنه و آزادی بدون هزینه و معذرت‌خواهی آنان هستند؛ بلکه نظام اسلامی را تهدید می‌کنند که در صورت آزاد نکردن این افراد باید منتظر شورش و انقلاب بود!

تنها در یک نمونه از این مواضع عجیب علی شکاری‌راد، فعال اصلاح‌طلب و دبیر کل حزب اتحاد ملت با شبیه‌سازی تبعید امام خمینی(ره) - که نظر و نگاهش به رأی مردم را چند سطر بالاتر از زبان مجید انصاری خواندید - در تمام رژیم شاهنشاهی با حصر سران فتنه - که لجاجت و ایستادگی‌شان در برابر نظر و رأی مردم در ۸۸ - به یساد داریم - بر اساس تصمیم شسورای عالی امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی، می‌گوید:

مقایسه مع الفارق تبعید امام(ره) در نظام طاغوت با محدودیت ایجاد شده برای سران آرامش و امنیت جامعه را مخدوش کرده بودند

و تهدید ضمنی نظام به آشوب نشان می‌دهد جریان اصلاحات با وجود اصرار خود در طرح موضوع آشتی ملی یا به عبارات دیگر رفع حصر بدون هزینه و عذرخواهی تنها به دنبال تحقق خواسته‌های خود است و همچنان موضع طلبکارانه نسبت به نظام داشته و با وجود همه شکارهای زیبای مردمی‌اش حاضر به قبول شکست خود در سال ۸۸ نیست!

صیحه‌ها

برنده واقعی

زندگی مثل نخ کردن سوزن است گاهی بلد نیستی چیزی را بدوزی اما چشم‌هایت خوب کار می‌کند و همان بار اول سوزن را نخ می‌کنی هر چه زمان می‌گذرد با تجربه‌تر می‌شوی و بیشتر یاد می‌گیری که چگونه بدوزی اما می‌بینی که چشمانت دیگر سو ندارد...! زندگی همیشه یک چیزش کم است... مشکل اینجاست، وقتی یاد می‌گیری که چگونه بدوزی چشم‌هایت دیگر سو ندارند؛ برنده واقعی کسی است که وقتی چشم‌هایش سو دارد، با تلاش به هدفش برسد

صادقانه

خضوع در برابر ستمگر

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هر مؤمنی در برابر صاحب قدرتی یا کسی که مخالف دین اوست، به قصد دست یافتن به چیزی از دنیای او، فروتنی و خضوع کند، خداوند او را بی‌نام و نشان گرداند و برای این کار بر او خشم گیرد و او را به خودش واگذارد؛ اگر هم بر چیزی از دنیای او دست یابد و اندکی از آن به دستش افتد، خداوند برکت را از آن ببرد.»
بحارالانوار - ج ۷۵ - ص ۲۷۱

تلخند



یادداشت

در حاشیه اختتامیه فیلم فجر

□ **مهدی امیدی** / مطابق معمول هر سال، مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر با حاشیه‌ها و حرف و حدیث‌هایی همراه شد. پس از ماجراهای مراسم افتتاحیه، مانند دهن کجی یکی از تجلیل‌شدگان به نظام و انقلاب اسلامی، اجرای نمایشی نازل و در کل برگزاری ضعیف مراسم که دور از شأن این جشنواره بود، انتظار می‌رفت در آیین پایانی جشنواره اقداماتی برای جبران صورت گیرد؛ اما باز هم رفتار برخی افراد و همچنین نحوه انتخاب برندگان، بحث‌برانگیز شد.

مهم‌ترین اتفاق در این مراسم، رفتار یک فیلمساز نارس بود. اقدام همایسون غنی‌زاده، کارگردان برگزیده دو سیمرخ این جشنواره، به شکلی منفی و آزاردهنده، همه را غافلگیر کرد. ماجرا از این قرار بود که وقتی نام فیلم «مسخره‌باز» به عنوان برنده بخش فیلم‌های اول این دوره از جشنواره فجر اعلام شد، کارگردان این اثر، روی صحنه حاضر نشد و به جای خود یک افغانستانی را روانه کرد تا جایزه را بگیرد و متن اعتراضی بر غلطی را بخواند. این اقدام از دو جنبه با انتقاد مواجه شد؛ اول اینکه، حرکتی مقلدانه بود و غنی‌زاده به تقلید از «مارلون براندو» که یک سرخ‌پوست را روانه کرده بود تا به جایز جایزه اسکار را بگیرد، ایسن کار را انجام داد. دوم اینکه، کار وی بیشتر جنبه خودنمایی و دیده شدن داشت تا دلسوزی برای افغانستانی‌ها و اعتراض، چون وقتی برای بار دوم نامش برای دریافت جایزه هنر و تجربه اعلام شد، روی صحنه رفت.

اما در بخش اعطای جوایز، مهم‌ترین حاشیه نادیده گرفتن چند باره آثار ارزشمند سینمای انقلاب بود. به جز فیلم «شبی که ماه کامل شد» که بیشتر جوایز اصلی، از جمله بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را گرفت و همچنین «۲۳ نفر» که سیمرخ بهترین فیلم را از نگاه ملی از آن خود کرد، بقیه فیلم‌های انقلابی و ارزشی عملاً نادیده گرفته شدند. به طور مشخص، «ماجراجوی نیمروز» رد خون» مورد ظلم قرار گرفت. این مسئله از آنجا آشکار و سیاسی به نظر می‌رسد که یکی از مسئولان دولتی، توثیق تندی را علیه فیلم منتشر کرده بود. این در حالی است که قسمت دوم فیلم «ماجراجوی نیمروز» حداقل در بخش‌هایی، چون کارگردانی و بازیگری شایسته دریافت سیمرخ بود. به ویژه اینکه این مراسم دقیقاً در روز ۲۲ بهمن و روز چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی برگزار می‌شد و بیره نبود اگر به جای این همه توجه به یک فیلمساز مسخره‌باز، آثاری با مضامین ملی و انقلابی بیشتر تحویل گرفته می‌شدند.

حسن ختام

□ **نمی‌دانم چه شد!**
آقا جان!
چشم دوختم به آسمان و حس می‌کنم که از آنجا ما را می‌نگری
تلخی‌های‌مان و سردی‌های‌مان را و همه چیز را می‌بینی و غصه‌ها می‌خوری
آقا جان!
نمی‌دانم از چه روزی به این حال دچار شدیم که شیرینی زندگی را به خودمان و اطرافیان‌مان تلخ کردیم و از مهرورزی نسبت به دیگران دست کشیدیم!
نمی‌دانم چه شد این همه تلخ شدیم و تلخ ماندیم، شاید این سنگینی همین کلمات است که ما را گرفتار خود کرده است و باید از کلمات بهتری بهره بگیریم که همان بار مثبت‌شان ما را زنده کند... مثل کلمه انتظار که انسان را به یاد امید و آینده می‌اندازد و از همه سختی‌ها عبور می‌دهد تا به فردای بهتری برسد، فردایی که در آن از تلخی و سردی خبری نیست و سراسر نور و شوق و ذوق حاکم است
چرا که انتظار ظهور تو بالاترین و زیباترین شکل آن است و همچنان انسان را دلگرم و امیدوار می‌کند و هر چه تلخی و سردی است تمام می‌شود و دیگر نیست.

حسن ختام

□ **نمی‌دانم چه شد!**
آقا جان!
چشم دوختم به آسمان و حس می‌کنم که از آنجا ما را می‌نگری
تلخی‌های‌مان و سردی‌های‌مان را و همه چیز را می‌بینی و غصه‌ها می‌خوری
آقا جان!
نمی‌دانم از چه روزی به این حال دچار شدیم که شیرینی زندگی را به خودمان و اطرافیان‌مان تلخ کردیم و از مهرورزی نسبت به دیگران دست کشیدیم!
نمی‌دانم چه شد این همه تلخ شدیم و تلخ ماندیم، شاید این سنگینی همین کلمات است که ما را گرفتار خود کرده است و باید از کلمات بهتری بهره بگیریم که همان بار مثبت‌شان ما را زنده کند... مثل کلمه انتظار که انسان را به یاد امید و آینده می‌اندازد و از همه سختی‌ها عبور می‌دهد تا به فردای بهتری برسد، فردایی که در آن از تلخی و سردی خبری نیست و سراسر نور و شوق و ذوق حاکم است
چرا که انتظار ظهور تو بالاترین و زیباترین شکل آن است و همچنان انسان را دلگرم و امیدوار می‌کند و هر چه تلخی و سردی است تمام می‌شود و دیگر نیست.

حسن ختام

□ **نمی‌دانم چه شد!**
آقا جان!
چشم دوختم به آسمان و حس می‌کنم که از آنجا ما را می‌نگری
تلخی‌های‌مان و سردی‌های‌مان را و همه چیز را می‌بینی و غصه‌ها می‌خوری
آقا جان!
نمی‌دانم از چه روزی به این حال دچار شدیم که شیرینی زندگی را به خودمان و اطرافیان‌مان تلخ کردیم و از مهرورزی نسبت به دیگران دست کشیدیم!
نمی‌دانم چه شد این همه تلخ شدیم و تلخ ماندیم، شاید این سنگینی همین کلمات است که ما را گرفتار خود کرده است و باید از کلمات بهتری بهره بگیریم که همان بار مثبت‌شان ما را زنده کند... مثل کلمه انتظار که انسان را به یاد امید و آینده می‌اندازد و از همه سختی‌ها عبور می‌دهد تا به فردای بهتری برسد، فردایی که در آن از تلخی و سردی خبری نیست و سراسر نور و شوق و ذوق حاکم است
چرا که انتظار ظهور تو بالاترین و زیباترین شکل آن است و همچنان انسان را دلگرم و امیدوار می‌کند و هر چه تلخی و سردی است تمام می‌شود و دیگر نیست.

صاحب‌نظر هستند و باید به گونه‌ای ساخته شوند که همه موقعیت‌ها و فضاسازی‌ها به خوبی و مطابق اسناد و مدارک موجود تولید شود و از سوی هم برای مخاطبان، واقعی و قابل درک به نظر برسد.
اما چند نقطه ضعف هم در این سریال به چشم خورد. یکی از آنها نشان دادن قدرت گروهک‌های ضدانقلاب است. هر چند که این گروهک‌ها اقداماتی انجام می‌دادند، اما در این سریال، قدرت و نفوذ آنها بیش از حد نشان داده شده است. در حقیقت، با هوشیاری و هدایت‌های پیامبرگونه حضرت امام خمینی(ره) و همچنین تلاش مردم انقلابی و مسلمان، گروهک‌های ضدانقلاب خوار و زبون شده بودند. به نظر می‌رسد که سرحال نشان دادن این گروهک‌ها چندان مناسب چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی نبود. همچنین شخصیت مهدی به عنوان نماینده نیروهای انقلابی که شخصیت محوری این سریال بود، منفعل به تصویر کشیده شد و چندان شمایل یک قهرمان را نداشت و بالاخره قسمت پایانی این مجموعه بدون نتیجه‌گیری از سوی مخاطب به طور ناگهانی بسته شد و در حالی که بیننده انتظار اتفاق و حادثه‌ای دیگری را می‌کشید، «خط تماس» به نقطه پایانی خود رسید و مشخص نشد که نیروهای مسلمان انقلابی، نیروهای کمیته و جوانان انقلابی در چه موقعیتی قرار دارند.

یک نکته مهم درباره ساخت سریال‌های سیاسی و تاریخی، مخاطب‌شناسی است. مخاطبان این‌گونه سریال‌ها آدم‌هایی مطالعه‌گر، اهل فن، بسیار کنجکاو و جست‌وجوگر هستند. بنابراین ما باید بدانیم که برای چه قشری فیلم سیاسی و انقلابی می‌سازیم؛ مخاطب فیلم‌های سیاسی-انقلابی با مخاطب فیلم‌های اجتماعی، سرگرم‌کننده و طنز کاملاً متفاوت هستند و به راحتی نمی‌توان هر فیلمی را به عنوان فیلم سیاسی و انقلابی به مخاطب خاص این نوع سریال القا کرد.
باید منتظر ماند و دید ادامه داستان «نفوذ» در مراحل بعدی این سریال چگونه پیش خواهد رفت. ماجرای نفوذ به قدری پیچیده است که ساخت یک یا دو سریال درباره آن باز هم کم است و باید از زوایای گوناگون به آن پرداخت.



در بهمن ۵۷ در لانه جاسوسی همچنان برای ضربه زدن به انقلاب نوپا تلاش شبانه‌روزی می‌کردند. اما نتیجه این حرکت مذبح‌خانه، انقلاب دوم بود که جمعی از دانشجویان پیرو خط امام این نفوذ دشمن را افشا کردند و آمریکا رسوای این ماجرا شد. «خط تماس» قصد داشت در قصه واقعی خود بگوید که جریان نفوذ آمریکا و هم‌پیمانانش برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی همچنان پایرجاست و باید هوشیار باشیم. ساخت این مجموعه در سه مرحله انجام شده، مرحله اول از پیش از انقلاب شروع می‌شود و تا تسخیر لانه جاسوسی ادامه می‌یابد، مراحل بعدی هم به حوادث حین گروگان‌گیری تا کودتای نوزده و آغاز جنگ تحمیلی می‌پردازد که با حمایت آمریکا صورت گرفت. گفته می‌شود، تولید مرحله اول دو سال طول کشیده است.

ساخت مجموعه‌های سیاسی و انقلابی در کشورمان کار آسانی نیست؛ چرا که مخاطبان این نوع سریال‌ها انسان‌هایی فرهیخته و

توان و بضاعت خود در برابر ظلم و ستم رژیم فاسد پهلوی ایستادند و در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی، به ویژه آمریکای جهانخواه قد خم نکردند و به مبارزه با آن برخاستند.

این سریال، راوی جوانان مسلمان انقلابی است که با تکیه بر آرمان‌های بزرگ انقلاب و گوش به فرمان معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره) تا پای جان مبارزه کردند تا استکبار را به زانو در آورند. آری سریال «خط تماس» با حال و هوای انقلابی نمایش‌دهنده رنج‌ها و ازخودگذشتگی‌های مردم ما در دوران انقلاب است. این داستان به تصویر درآمد تا نسل جوان امروز بداند که برای آبیاری درخت انقلاب، چه خون‌هایی ریخته و چه توطئه‌های شومی دفع شده است. «خط تماس» بیان‌کننده عشق بزرگ این مردم در روزهای انقلاب است.

این سریال در واقع نفوذ دشمنان قسم‌خورده انقلاب را به تصویر می‌کشد؛ دشمنانی به سرکردگی آمریکا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی

□ رسول شمالی ورزنده / امسال پس از مدت‌ها انتظار، یک

سریال مرتبط با ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا از تلویزیون به نمایش درآمد. سریال «خط تماس» به کارگردانی جواد شمدقردی، در دهه فجر و چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از شبکه اول سیما پخش شد. این مجموعه، واقعه گنبد و اتفاقات آن دوره از انقلاب نوپا ما را در قالب روایتی داستانی به تصویر کشید. این سریال در قالب یک ملودرام عاشقانه به وقایع تاریخی می‌پردازد. مهدی، دانشجوی مسلمان انقلابی با دختری وارد رابطه عاطفی می‌شود که خط سیاسی او متفاوت است. این ارتباط موجب درافتادن و درگیری مهدی با گروهک‌هایی می‌شود که این سریال سعی کرد چهره آن را نمایش دهد.

داستان سریال «خط تماس» که ابتدا نفوذ نام داشت، به سال ۱۳۵۷ مربوط می‌شود و مدت هشت ماه در مقطع انقلاب، نفوذ آمریکایی‌ها را در عرصه‌های گوناگون رژیم پهلوی و بحث قانون کاپیتولاسیون را نشان می‌دهد؛ قانونی که در واقع حق توحش رژیم شاه به آمریکا بود و درباره آن برای نسل جدید کمتر سخن گفته شده است. به یقین اگر بسیاری از جوانان بدانند که محمدرضا پهلوی زیر بار قانونی رفته بود که اجازه می‌داد آمریکایی‌ها در ایران هر خطایی که می‌خواهند مرتکب شوند و مردم ایران حق اعتراض نداشتند، ارزش انقلاب اسلامی را بهتر درک می‌کنند. اتفاق خوب در سریال «خط تماس» این بود که این ننگ بزرگ رژیم ستم‌شاهی در یک سریال تلویزیونی به طور آشکار به تصویر کشیده شد. معمولاً ساختن واقعیت‌های تاریخی معاصر، آن هم در شکل و شمایل انقلابی کار بسیار دشواری است که به طور حتم باید با مشورت از صاحب‌نظران و کسانی که در آن مقطع تاریخی حضور داشتند و لحظه به لحظه آن دوران را درک کرده‌اند، انجام شود. با توجه به تیتراژ این سریال و اسامی صاحب‌نظران و پیشکسوتان در آن به نظر می‌رسد که شمدقردی برای تولید سریال «خط تماس» از اسناد تاریخی و ناگفته‌های صاحب‌نظران بهره برده است.

سریال تلویزیونی «خط تماس» قصه مردم انقلابی سرزمین‌مان است که برای استقلال، آزادی و برپایی حکومت اسلامی قیام کردند و با همه

اخبار فرهنگی

واکنش بازیگر سینما به شهادت مدافعان وطن



در میان سکوت بیشتر سلبریتی‌ها به جنایت تکفیری‌ها در سیستان و بلوچستان، یک بازیگر به این ماجرا واکنش نشان داد. هادی حجازی‌فر نوشت: «همی توانم به چشم‌ها و ذهن‌های آن همه سرباز که به جاده دوخته شده بود فکر نکنم. به رؤیایا و امیدهایی که در تنهایی شب و لای آن کجاوه آهنی با جاده یکی می‌شدند. به دست‌ها و آغوش‌هایی که برای عزیزان چشم به راه‌شان تمرین مهربانی می‌کردند. به مرزبانان گمنامی که باعث شرف و غرور وطن‌پرستان واقعی هستند. وطن‌پرستانی که بی هیچ ملاحظه، سیاسی‌کاری و یکی به نعل و یکی به میخ زدن، باورش‌شان را فریاد می‌کنند.

برای آثانی که تساهل و تسامح را در هر وادی می‌خواهند جز مرزهای‌شان. در اندوه و خشم‌تان شریکیم و برای تحمل جای خالی این بیست و هفت عزیزمان صبر آرزومندیم هر چند می‌دانم به عنوان پدر، مادر، همسر، فرزند و... تا ابد این زخم تازه خواهد ماند. عشق داغی است که تا مرگ نباید نرود. تسلیت. بن: به زعم من، سپاهی، ارتشی، دانشمند، پزشک و حتی هنرمندی که برای مملکت و مردمش زحمت می‌کشد، سرباز وطن است.»

نمایش فیلم ضد ایرانی در برلین



فیلم «مامور مخفی» ساخته یووال ادلر، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس صهیونیستی، درباره برنامه‌ریزی سسازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد) علیه برنامه هسته‌ای ایران، در جشنواره بین‌المللی فیلم برلین ۲۰۱۹ به نمایش درآمد؛ اما نکته عجیب‌تر، تصویربرداری این فیلم در خاک ایران است! شاید یکی از عجیب‌ترین مسائل درباره فیلم برای مخاطب ایرانی هنگام تماشا این باشد که چطور فیلمی محصول رژیم صهیونیستی درباره عملیات موساد علیه برنامه اتمی ایران و شامل صحنه‌های ناهنجار در تهران فیلمبرداری شده است! کارگردان فیلم در نشست خبری توضیح داد، او یک واحد فیلمبرداری در تهران داشته است که گویا «به خاطر حفظ امنیت‌شان» نمی‌دانسته‌اند با چه کسی در تماسند و موضوع برای آنها به این شکل بوده که با گروهی در بلژیک کار می‌کنند. فردر رابط از طریق تلفن همراه به صورت برخط و همزمان فیلم‌برداری صحنه‌ها را که در آن بدل بازیگر ریچل (دیانه کروگر) در خیابان‌های تهران و بازار و... حضور داشته است، به کارگردان که در نیویورک بوده، حتی در ساعت سه نیمه شب نشان می‌داده و او کارگردانی می‌کرده است.

واکنش طالب‌زاده به تحریم افق نو



پژوهشگر و دبیر نشست بین‌المللی «افق نو» از برگزاری این نشست در چهار ماه دیگر خبر داد. نادر طالب‌زاده درباره تحریم خود و خانواده‌اش از سوی آمریکا گفت: «تاراحتی و دردشان آزادی بیان است. آنها می‌ترسند درباره جنایات و ددمنشی‌های‌شان صحبت شود. این حرکت را کردند تا افق نو را متوقف کنند؛ اما چهار ماه دیگر نشست مذکور در موعد مقرر برگزار می‌شود.» طالب‌زاده تأکید کرد: «مهمانان بین‌المللی ما دعوت شده‌اند و همچون سال‌های پیش در ماه «می» افق نو را برپا خواهیم کرد. نمی‌خواهیم این اتفاق روشنگرانه متوقف شود؛ چون آمریکا از آزادی بیان و سخنرانی مخالفانش در نشست افق نو می‌ترسد و عصبانی است.»

انتشار سرگذشت بانوی قهرمان جبهه مقاومت



کتاب «هم‌قسم» شامل زندگی و خاطرات «ام یاسر» همسر شهید سیدعباس موسوی، دبیرکل پیشین حزب‌الله لبنان راهی بازار نشر می‌شود. کتاب «هم‌قسم» که شامل زندگی و خاطرات ام‌یاسر، همسر شهید سیدعباس موسوی، دبیرکل پیشین حزب‌الله لبنان می‌شود، انتشارات به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) به زودی همزمان با بیست‌وهفتمین سالگرد شهادت این شهید، منتشر و راهی بازار نشر می‌کند. «هم‌قسم» برگردان کتاب «الوصول» است که عبدالقدوس الامین، نویسنده لبنانی آن را نوشته و احمد طنزلی ترجمه کرده است. این کتاب در چهار فصل زندگی و خاطرات همسر این شهید را شرح می‌کند که در فصل چهارم و پایانی این اثر ال‌بومی از تصاویر این شهید بزرگوار به همراه خانواده وی ثبت شده است.

صف طولانی اعتراض به اسکار



«آلفونسو کوارون»، «جورج کلونی» و «برد پیت» به جمع چهره‌های مهم سینمای جهان پیوستند که با اعتراض به تصمیم اخیر آکادمی اسکار، خواهان بازنگری مسئولان آکادمی شدند. اسکار اعلام کرده است در مراسم اهدای جوایز خود اعطای جوایز چهار شاخه را زمان بخش تبلیغات بازرگانی از تلویزیون انجام می‌دهد و تماشاگران تلویزیونی نمی‌توانند شاهد اعطای این جوایز و برندگان آن باشند. پیشتر هم «مارتین اسکورسیزی»، «کونتین تارانتینو»، «کریستوفر نولان»، «اسپایک لی»، «مایکل مان»، «الخاندرو گونزالز اینریتو» و «گیرمو دل‌تورو» با انتشار نامه‌ای سرگشاده این تصمیم آکادمی اسکار را توهین قلمداد کردند و خواهان تجدید نظر در این تصمیم شدند.

دانش و پژوهش

دانش، آشکارترین ویلای عزت و قدرت یک کشور است.

امام خاندانی (مدظله العالی)

بأسداشت مجاهدت های علمی

و سرمایه های دانشی سپاه

در آفاق

انقلاب اسلامی

معرفی برترین های سپاه در حوزه های :

- ✓ فرماندهان و مدیران دانشی برتر
- ✓ پژوهشگران ، اندیشه ورزان و تجربه نگاران برتر
- ✓ سازمان دانشی و پژوهشی برتر رده ای
- ✓ مراکز مطالعاتی و دانشگاهی برتر
- ✓ نشریات دانشی برتر
- ✓ پژوهش ها ، اندیشه ورزی ، تجارب و کاربست برتر

جنرله
امام‌رعلى
معاونت دانش و پژوهش

معاونت دانشی و پژوهشی

زمان برگزاری : دوشنبه ۹۷/۱۲/۶

مکان برگزاری : ستاد فرماندهی کل سپاه